

راز آشتی

برنارد هارینگ

## مقدمه

راز مقدس آشتی، یا چنان که در گذشته آن را می نامیدند، راز توبه، مرواریدی گرانبهاست. ۳

خوشا به حال کسی که زیبایی تمام عیار آن را کشف می کند! زیرا که مدتهای مدیدی در پس سنت ها و تعصبات متحجر پنهان بوده است. ۵

امروزه، بسیاری درصدد کشف ابعاد حقیقی آن هستند. این راز، راز رستگاری، راز شادی عید قیام، راز پرستش، رازی برای شفای خاطرات آزار دهنده و تجدید روابط سالم، راز تحول مستمر و نزدیک تر شدن به خدا و تجدید حیات اتحاد خانواده الهی اوست. ۱۰

ما در این راز مقدس، شادمانی آنانی که خداوند را به خاطر تحمل غم و رنج و مرگ به منظور آزاد ساختن دوباره ما، تسبیح می خوانند تجربه می کنیم. این راز در صورتی ما را به سوی راز نان و جام مقدس سوق می دهد که فروتنانه به قدردانی مشغول باشیم و بدین طریق می آموزیم که چگونه خدا را به خاطر عدالت نجات بخش او و به خاطر عطیه مصالحه و آرامش ستایش کنیم. یعنی با تبدیل به ابزاری در جهت صلح و بدل شدن به خادمین مصالحه و آشتی و همکاران عدالت فرا گیر او. ۱۵

راز مقدس آشتی تحولی پیوسته و نیز غمی برای گناهان و اعتراف فروتنانه آنها را می طلبد و این قطعاً مژده ای شادی بخش است، زیرا خداوند از طریق غم، قلب های ما را در ستایش رحمت های خویش تازه می گرداند و از طریق اعتراف فروتنانه، به آن حقیقت شفا بخش باز می گرداند. نقطه بحران این راز را تنها می توان از طریق افزایش قدردانی و شکرگزاری از سر گذراند، شکرگزاری از این عطیه بس عظیم که خداوند در روز رستاخیز خود به کلیسای خویش بخشید. ۱۷

## فهرست مندرجات

### مقدمه

### بخش اول: دیدگاههای اصلی

- ۱- خداوند را تسبیح خواهیم خواند
- ۲- از شکایت کردن از یکدیگر دست بردارید
- ۳- شفای خاطرات آزار دهنده
- ۴- نام بی همتای تو و بازی نفس
- ۵- خروج و ملکوت
- ۶- خوشا به حال ماتمیان
- ۷- عمیق تر ساختن دیدگاه بنیادین خود
- ۸- یک خانواده
- ۹- حقیقتی که ما را آزاد می سازد
- ۱۰- شکرگزاری، تنها راه حل
- ۱۱- اطمینان الهی

### بخش دوم: برپایی اعتراف فردی

### بخش سوم: برپایی جمعی مراسم آشتی

۳  
۵  
۵  
۱۰  
۱۵  
۱۷  
۲۳  
۲۸  
۳۱  
۳۴  
۳۷  
۴۲  
۴۴  
۴۷  
۶۴

هدف این کتاب کوچک، کمک به کشیشان و خادمین اعتراف گیرنده و توبه کنندگان و ایمانداران، بعنوان مردمانی است که نیاز خود را به شفا یافتن می دانند و در رسالت شفابخش مسیح سهیم می گردند تا به درکی صحیح تر از راز توبه نایل آیند.

پس از آن با شادمانی ای افزونتر و با آگاهی تازه نسبت به خدای بخشنده، خواهند توانست جهان را از فیض آن راز مقدس، دولتمند سازند.

## بخش اول

### دیدگاههای اصلی

#### ۱- خداوند را تسبیح خواهیم خواند

خوشا به حال کسی که عصیان او آمرزیده شد و گناه وی مستور گردید خوشا به حال کسی که خداوند به وی جرمی نیاورد و در روح او حيله ای نمی باشد. هنگامی که خاموش می بودم استخوانهایم پوسیده می شد، از نعره ای که تمامی روز می زدم چون که دست تو روز و شب بر من سنگین می بود، رطوبتم به خشکی تابستان مبدل گردید. به گناه خود نزد تو اعتراف کردم و جرم خود را مخفی نداشتم، گفتم عصیان خود را نزد خداوند اقرار می کنم، پس تو آلايش گناه را عفو کردی. از این رو هر مقدسی در وقت اجابت نزد تو دعا خواهد کرد، وقتی که آبهای بسیار به سیلان آید هرگز بدو نخواهد رسید. تو ملجای من هستی مرا از تنگی حفظ خواهی کرد، مرا به سرودهای نجات احاطه خواهی نمود. تو را حکمت خواهم آموخت و به راهی که باید رفت ارشاد خواهم نمود و تو را به چشم خود که بر توست نصیحت خواهم فرمود. مثل اسب و قاطر بی فهم مباشید، که آنها را برای بستن، به دهنه و لگام زینت می دهند، و الا نزدیک تو نخواهند آمد. غم های شریر بسیار می باشد، اما هر که بر خداوند توکل دارد رحمت، او را احاطه خواهد کرد. ای صالحان در خداوند شادی و وجد کنید و ای همه راست دلان ترنم نمایید. (مزمو ر ۳۲)

مذاهب بت پرست و مردمان آیین گذار در تمامی مذاهب همواره کوشیده اند تا خشم خدا را با اجرای سختگیرانه مناسک و تلفظ دقیق قواعد و رموز جادویی فرو نشانند.

اما مژده مسیح که قبلاً وعده آن در عهد عتیق آمده بود این است که خدا شخصاً قدم اول را برداشته و ما را به جهت مصالحه و آشتی با خود فرا می خواند.

رسول امته‌ها در جاییکه از عمل آشتی جویانه خدا و خدمت رسالتی سخن می‌گوید، چنین می‌نویسد: «همه چیز از خدا که ما را به واسطه عیسی مسیح با خود مصالحه داده و خدمت مصالحه را به ما سپرده است یعنی این که خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می‌داد و خطایای ایشان را بدیشان محسوب نداشت و کلام مصالحه را به ما سپرد.» (دوم قرنتیان ۵: ۱۸ و ۱۹).

راز آشتی (یا توبه) یک آیین نیایشی و ستایشی است. این راز، آیین نیایش اسراییل را که ستایش مستمر وفاداری خدایی است که خود را برتر از هر چیز به واسطه رحمت آشکار ساخت، تکمیل می‌نماید. او در رحمت خویش وفاداری قومی را که با تمام گناهان خود شایستگی آنرا نداشتند به ایشان بازگرداند. پولس به طرزی خاص برای این خدمت مصالحه مناسب شناخته شد. او به طریقی منحصر به فرد فیض خدا را، هر چند خود را لایق آن نمی‌دانست، تجربه نمود و از طریق این فیض به دوستی با مسیح فرا خوانده و رسالتی به وی سپرده شد.

ما به طور مداوم بر گناهان خود اعتراف نمی‌کنیم زیرا گمان می‌بریم خدا، خدایی جبار است. بلکه آنها را در حین ستایش رحمت او اعتراف می‌نماییم. اما این ستایش، یا این آیین نیایش، کاملاً اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. خدا فیاض است زیرا خداست، و او عطایای خود را تنها بر کسانی عطا می‌کند که تصدیق می‌کنند لایق آن عطایا نیستند. این همان کاری است که ما هنگام اعتراف گناهان خویش انجام می‌دهیم. بدین ترتیب ما اعتماد و توکل خود را به خدا نشان می‌دهیم، اعتمادی که در ذات خود، نیایش و ستایش است. این اعتماد و توکل، ما را قادر می‌سازد تا با قصورات، خطایا و گناهان خویش روبرو شویم و صادقانه از آنها سخن بگوییم.

این نوع اعتراف یا این نوع سخن گفتن از گناهان، در هنگام اعتراف عمومی یا در حضور یک برادر مسیحی (برادری که خود نیز به خوبی می‌داند که نیازمند رحمت خداست) تجربه‌ای رهایی‌بخش است. سخن گفتن از گناهانمان،

می‌تواند مایوس‌کننده و تجربه‌ای حقارت‌بار باشد، اما اگر ما این عمل را با یکدیگر و در ستایش رحمت خدا بجا آوریم و از قدرت شفا بخش و رهایی بخش او نیز آگاه باشیم، در این صورت است که رهایی از عذاب و تشویش متحقق خواهد شد.

ما همچون برادران و خواهران نزد پدر خود می‌رویم تا با یکدلی رحمت او را ستایش نموده گناهان خویش را در نام او اعتراف کنیم زیرا از محبت دلسوز او آگاهیم. «باید نزد پدر رفته و بگوییم...». ما نزد پدر می‌رویم و اعتراف می‌کنیم که با شایستگی خودمان لایق آن نیستیم که فرزند او نامیده شویم؛ با این وجود جرأت یافته و می‌گوییم: «پدر... پدر عزیز». ما این عبارت را در اتحاد با مسیح بر زبان می‌آوریم، تنها اوست که قادر است ما را یاری دهد تا خدای قدوس را پدر بنامیم. دریافت و تشخیص این واقعیت که خدا، آن یگانه قدوس، در آسمان است و ما بر روی زمین و حتی گناهکار، نه تنها نمی‌تواند از شادی نهفته در بیان عبارت «آبا ای پدر ما» بکاهد بلکه نشان از هدیه‌ای است برای ما نالایقان که ما را قادر می‌سازد تا خدا را همچون پدر خود مورد احترام قرار دهیم، پدر خداوند ما عیسی مسیح که آمده است تا ما را از گناه، پریشانی و احساس تقصیر آزاد ساخته به سوی اعتماد و تسبیح خدا رهنمون سازد.

ما از طریق نیایش مطمئن و اعتراف متواضعانه خود، به خدا احترام می‌گذاریم، اعتراف ایمانمان به او که قدوس است و در عین حال رحیم. ما به گناهان خویش اعتراف می‌کنیم زیرا می‌دانیم که عدالت نجات بخش او به منزله صلح و آرامش، شفا و آزادی است. ما از گناهکاران دیگر بهتر نیستیم و مزیتی بر آنان نداریم، درست مانند اسراییل که از ملت‌های دیگر بهتر نبود. هرگاه اسرایلیان فروتنانه و در توکل و اعتماد، نام او را می‌خواندند و او را به عنوان رهایی بخش خود باز می‌شناختند، به پرستش او به خاطر آزاد ساختن اسراییل می‌پرداختند.

ما نیز با اعتراف به گناهان، پدر را به خاطر عمل‌رهایی بخش او در مرگ و قیام مسیح ستایش می‌کنیم. به این ترتیب خدا را تمجید نموده و «در روح و راستی» او را پرستش می‌کنیم.

ارنست بلاک (Ernest Bloch) تصور می‌کند که تنها الحاد شایسته منزلت و احترام از سوی انسان است. او از پذیرش وجود خدای «متعال» سر باز می‌زند. او تصور می‌کند انسان با رویاها و آرزوهایش و به همراه نیروی ماده می‌تواند اعتماد روبه‌ترزاید بشریت را تضمین نماید. الحاد واقعی، که غایت الحاد است، در حقیقت عدم‌پذیرش و تصدیق هر پدیده‌ای است که بتوان آن را عطیه‌ای از ماورا دانست. زمانی که انسان از پذیرش و تصدیق آنچه دیگران برای او انجام می‌دهند امتناع ورزد، در این حالت او موجودی خواهد بود کاملاً آشتی‌ناپذیر که تنها می‌تواند با نفرت و کشمکش، منتظر «راه چاره‌ای» باشد. شاید ارنست بلاک هرگز درک صحیحی از مفهوم خدای «متعال» نداشته است، یعنی بخشنده همه عطایای نیکو. خدا با بخشش عطایای خود به انسان، او را دولت‌مند می‌سازد. او با ارائه بخشش و شفا، انسان را به جایگاه کمال خویش بازمی‌گرداند و او را همچون همکار و هنرمندی در کنار خود و در مسیر تاریخ مستمر عدالت و صلح، انسانیت و برادری واقعی دعوت می‌کند.

در مراسم عمومی توبه و آشتی، کشیش و همه جماعت در اعتراف فروتنانه به گناهانشان و در پرستش مشترک خدای یگانه و پدر، متحد می‌شوند. در کلیسای باستان، اسقفی که برای بخشش گناهان دعا می‌کرد (نیایش رازگونه) در حقیقت خدا را ستایش می‌نمود. در طی جلسه عبادتی آشتی روز پنج‌شنبه مقدس، اسقف رُم دعای مقدماتی بزرگی در وصف رحمت و عمل آشتی‌دهنده خدا در طول تاریخ می‌سرایید.

در راز مقدس آشتی، هر یک از ما تاریخ فیض و گناه خود را وارد تاریخ عظیم عمل‌رهایی بخش و شفا دهنده خدا می‌سازد. کشیش اعتراف‌گیرنده و

شخص توبه‌کننده، کلام خود را در قدردانی و شکرگزاری به هم می‌پیوندند. تا قرن دوازدهم، آموزش گناهان تنها به شکل دعای رسمی التماس که با حمد و ستایش خاتمه می‌یافت، ارائه می‌شد. این رسم با اعتراف فروتنانه شخص نادم در حضور کشیشی که به نیاز خود در اعتراف به گناهان آگاه است همراه می‌گردد. بنابراین آموزش گناهان به عنوان اعلام رحمت خدا و قدرت شفا بخش و اعترافی که به ستایش او ختم شود هر دو یکی هستند. کشیش و شخص نادم مسئولیت مشترکی را به عنوان گناهکارانی تجربه می‌کنند که وظیفه خود را در مبدل شدن به «نادمین مقدس» یا قوم مقدس می‌پذیرند. به این ترتیب آنان در ستایش خدا یکی می‌شوند.

ای خداوند از تو سپاسگزارم

زیرا که نمی‌خواهی مرا شرم‌منده

و مطرود، در داوری آخر خویش بینی؛

تو خواستار آزادی من از گناهانم

به طریقی لبریز از مهرهستی.

تو با داوری بی‌پروا و بی‌گذشت انسانی

با من برخورد نمی‌کنی

بلکه همچون برادر و دوستی

که رسالتش، یاری من است،

تا هر چه بهتر محبت شفا بخش تو را بشناسم

و در ستایش رحمت به ایشان پیوندم.

نزد تو این گونه دعا خواهم کرد: اعتراف‌گیرندگان را یاری بخش

تا برای من و دیگران

تصویری باشند حقیقی از مهربانی و رحمت تو،

تا با یکدیگر تو را تسبیح بخوانیم. آمین

## ۲- از شکایت. کردن از یکدیگر دست بردارید

پس ای برادران تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید شما نیز صبر نمایید و دل‌های خود را قوی سازید زیرا که آمدن خداوند نزدیک است. ای برادران از یکدیگر شکایت مکنید مبادا بر شما حکم شود، اینک داور بر در ایستاده است. زیرا که خداوند به غایت مهربان و کریم است. اگر کسی از شما مبتلای بلایی باشد دعا بنماید و اگر کسی خوشحال باشد سرود بخواند... نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید زیرا دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد. (یعقوب ۵: ۷-۱۶)

داستان آدم و حوا (که داستان مرد و زن گناهکار است) داستان ما نیز هست. آدم و حوا از سوی خدا چون هدیه ای به یکدیگر بخشیده شدند، هدیه ای یکسان. اما زمانی که از پذیرش خویشتن و یکدیگر به مثابه هدیه ای از سوی خدا سر باز زدند عملاً نسبت به خدا مرتکب بی حرمتی شدند و از آزادی خود همچون آزادی ای دزدیده شده سود جستند و شروع به متهم کردن یکدیگر به خاطر مشکلاتشان نمودند. آدم گفت: این زنی که قرین من ساختی، وی از میوه درخت به من داد که خوردم. سپس خداوند به زن گفت: این چه کار است که کردی؟ و زن گفت: مار من را اغوا نمود که خوردم. (پیدایش ۳: ۱۲-۴۳)

هیچ ابر شیطانی جز در مذهب زرتشت وجود ندارد و در اینجا ما فقط یک مار مفلوک را می بینیم، با این حال همین کافی بود تا دار گناه انسان به گردن او افکنده شود. مرد پس از عصیان‌ش علیه خدا، شروع به تحقیر زن نمود، اما زن نیز با نهادن بار گناه خویش بر گردن دیگری خود را از این مهلکه‌رهایی بخشید. انسان‌های آشتی ناپذیر که گناهان خویش را در حضور خدا و در پیش یکدیگر اعتراف نمی کنند همیشه در صدد بهانه تراشی و تبرئه خود با متهم کردن و تحقیر دیگران هستند. به این ترتیب بیشتر و بیشتر به درون ورطه جهنم سقوط خواهند کرد.

اعتراف ما به گناهانمان در حضور خدا و کشیش یا برادری امین در مسیح، تنها هنگامی حقیقی و از صمیم قلب خواهد بود که شهادت آن را داشته باشیم تا

قصور خود را بپذیریم و آن را در حضور کسانی که محزونشان ساخته ایم و نمونه های بدی برای آنها بوده ایم اقرار و تصدیق نماییم.

راز مقدس آشتی به عنوان ستایش رحمت خدا زمانی بدل به «پرستش در روح و راستی» می گردد که با شهادت و اعترافی فروتنانه و دور از متهم کردن دیگران همراه باشد. ما با اقرار به خطاهای خود، به حقیقت و ارتباطی سالم و شفاف با خدا و دیگران باز خواهیم گشت.

این امر متفاوت از مراسم عبادی صرف است که در آن شخص مایل است با اعتراف خود در اتاقی تاریک و کشیشی ناشناس نوعی رسم جادویی را در جهت آمرزش گناه به جا آورد، امری که عملاً مانع از پذیرش مسئولیت خطای شخص از سوی خود او می شود. اما اگر شخص عمیقاً مایل به اعتراف و ستایش رحمت خدا باشد و کشیش نیز شهادت آن را داشته باشد که بگوید «آنچه توبه آن اقرار نمودی من نیز به نوعی با آن درگیر بوده یا هستم» سپس شخص نادم جرأت خواهد یافت تا مسئولیت کامل اعمال خود را در زندگی روزمره خود بپذیرد و به جای مقصر دانستن دیگران، درخواست آمرزش نماید.

راز توبه آن گونه که ما امروزه از آن آگاهیم، بنیادی آسمانی و الهی دارد اما شکل خاص آن برخاسته از سنت ها و منابع گوناگون است. ما باید بتوانیم میان توبه رسمی که از قرون اول و به خاطر گناهان شدیداً شرم آور وضع گردید و اعتراف خودجوش گناه با هدف ستایش رحمت خدا تمایز قایل شویم.

توبه رسمی یک بُعد قضاوتی داشت و مستلزم جبران آن گناه شرم آور بود، در حالی که اعتراف با هدف ستایش رحمت خدا، در اصل تجربه قدرت شفا بخش مسیح است. این نوع از اعتراف احتمالاً در دوران رسولان آغاز گردید به ویژه از طریق تجربه اصلاح برادرانه که در یعقوب باب ۵ آمده و پیش از این به آن اشاره شد. البته یعقوب نیز احتمالاً نیایش رسمی مشایخ جماعت را برای آمرزش گناهان مد نظر داشته است.

متن کاملاً واضح و روشن دیگری پیرامون اصلاح برادرانه، غلاطیان ۶: ۲ می باشد. به یاد داریم که نامه به غلاطیان، پیغام بزرگ پولس در مورد آزادی حقیقی و اعتدال در مسیح است. اصلاح برادرانه نشانه آزادی در نیاز متقابل و مسئولیت مشترک نجات بخش است.

پولس ما را یاری می دهد تا میان حصاد روح القدس که به واسطه محبت، خوشی، سلامتی (آرامش)، نیکویی، مهربانی و غیره کاملاً ملموس است و منیت بی بار ریشه دوانده در سرتاسر تفکر شخص که به وسیله خودخواهی های جمعی، پیوسته در حال افزونی است تفاوت قایل شویم، پیغام پولس این است که ما در مسیح برای آن آزادی ای خوانده شده ایم که به روح القدس اجازه می دهد تا محصول نیکویی یا عدالت و آرامش را در ما تولید نماید.

در همین متن است که پولس تشویق و ترغیب متقابل و اصلاح برادرانه را به منزله داشتن مسئولیت مشترک در مسیح مطرح می سازد: «لاف زن مشویم تا یکدیگر را به خشم آوریم و بر یکدیگر حسد بریم... ای برادران اگر کسی به خطایی گرفتار شود شما که روحانی هستید چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید و خود را ملاحظه کن که مبادا تو نیز در تجربه افتی. بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید و بدین نوع شریعت مسیح را به جا آورید». (غلاطیان ۵: ۲۶ تا ۶: ۲)

مادام که به غرور خود اجازه دهیم تا به خودخواهی جمع اطراف ما بپیوندد لاف زن، حسود و آماده مقصر دانستن دیگران و انداختن بار گناهان خویش بر گردن آنان هستیم. اما اگر به روح مسیح اجازه دهیم تا ما را هدایت نماید، به گناهان خویش اعتراف خواهیم نمود و یکدیگر را متقابلاً یاری خواهیم داد.

اصلاح برادرانه نه متت گذاشتن بر سر کسی است و نه تنبیه سخت. متقابلاً، شفا نیز تنها می تواند با ملاحظت عرضه شود و با این آگاهی کامل که ما نیز نیازمند نیروی شفا بخش مسیح و تشویق و اصلاح از سوی برادران و خواهرانمان هستیم. این جریان شفا تنها زمانی ممکن است که ما به ستایش رحمت خدا بپیوندم.

باب هجدهم انجیل متی، به ما بصیرتی عمیق پیرامون راز توبه می بخشد، و بخصوص سخن از اصلاح برادرانه به عنوان نشانه ای ملموس از ملاقات خداوند با ما، همراه نیروی شفا بخش خود از طریق مسئولیت نجات بخش را ارائه می دهد. «و اگر برادرت به تو گناه ورزید برو و او را در میان خود و او در خلوت الزام کن هر گاه سخن تو را گوش گرفت برادر خود را دریافتی» (متی ۱۸: ۱۵).

عیسی از آمادگی برای «هفتاد مرتبه هفت بار» بخشیدن سخن می گوید. این به معنای آمادگی نامحدود برای بخشش و شفا دادن است. (متی ۱۸: ۲۲) تجربه بخشش خداوند و خاطره ای دلپذیر از هر آنچه او ما را از آن بخشیده است به ما توانایی می بخشد تا همیاری، تشویق، اصلاح دو جانبه مؤثر و دلپذیرتری را عرضه نماییم.

در همین متن خداوند از نیروی دعای مشترک صحبت می کند: «باز به شما می گویم هر گاه دو نفر از شما در زمین درباره هر چه که بخواهند متفق شوند هر آینه از جانب پدر من که در آسمانست برای ایشان کرده خواهد شد» (متی ۱۸: ۱۹ و ۲۰).

اعتراف متقابل و دعای مشترک برای آموزش، علامتی است از جمع شدن در نام خداوند. این نوع دعا، مؤثر و نزد خدا پسندیده است اگر از قلبی متواضع و پشیمان به همراه اعتراف به گناهان و در مسیر ستایش رحمت خدا جاری شده باشد.

در قرن سیزدهم، آلبرت کبیر، توماس آکویناس و دیگر بزرگان کلیسا، سنت استواری را بنا نهادند که بر حسب آن، اعتراف حتی نزد شخصی عادی سهمی در راز آشتی خواهد داشت. البته شرایط خاصی نیز وجود دارند: این اصلاح باید فروتنانه و با ملاحظت ارائه شود تا شخص نیازمند آن، سرانجام آن را در تواضع بپذیرد و با تشخیص این که آموزش هدیه ای از سوی خداست، در دعا به هم پیوسته اعتراف خود را یعنی ستایش رحمت خدا را به جا آورند. این امر هنوز هم دیدگاه کلیساهای شرق است. مردم خودبخود و با میل باطنی نزد مرد یا زن

مقدسی می‌روند و گناهان خویش را اعتراف می‌کنند و دعای خیر و برکت از آنان می‌طلبند. البته مردم عادی محق نبوده و نیستند که این راز مقدس را رسماً برگزار نمایند.

در اعتراف نزد کشیشان رسمی اصولی چند نیز باید رعایت شود. در اینجا کشیش و شخص توبه کار به طریقی خاص و در اتحاد با تمامی کلیسا به دعا مشغول می‌شوند، کشیش، آمرزش خداوند را رسماً و بصورت مناجات در نام جانشینان رسولان و در نام تمامی کلیسا اعلام می‌نماید.

از قرون اول به بعد، مردم به میل خود و به قصد اعتراف گناهی که به توبه رسمی کلیسایی (Canonical penance) مربوط نمی‌شدند نزد کشیشان می‌رفتند، زیرا می‌دانستند که کشیشان از میان اشخاصی برگزیده شده بودند که روح القدس، ایشان را تأیید نموده و کلیسا نیز در دعاهایی خاص قدرت روح القدس را برای ایشان طلبیده بود. ضمناً سخنان خداوند قیام کرده را نیز در آن لحظه خاص به یاد می‌آوریم: «روح القدس را بیایید گناهان آنانی را که آمرزیدید برای ایشان آمرزیده شد و آنانی را که بستید بسته شد». (یوحنا ۲۰: ۲۲ و ۲۳)

ما نباید تصور کنیم که اصلاح برادرانه و اعتراف در حضور کشیش حتماً باید با هم و در یک لحظه خاص انجام گیرند بلکه این دو حقیقت یکدیگر را تکمیل می‌کنند. تجربه ناب مسئولیت نجات و اصلاح و تشویق برادرانه در کی به مراتب بهتر و روشن تر، از راز آشتی، در جلسات نیایشی می‌بخشد. در نتیجه در برگزاری هر چه صادقانه تر و زنده تر این راز مقدس، مفهوم و ارزش اصلاح برادرانه و نیز نیایش مشترک جهت آمرزش گناهان و ستایش رحمت خداوند را درمی‌یابیم.

احیای روح و به کار بستن اصلاح برادرانه و تشویق و ترغیب می‌توانند برای غالب آمدن بر بحران راز آشتی مفید واقع گردند. این دو، هر یک به روش خود اما با هم، ابزار خوش یمنی جهت نزدیک تر ساختن ما به آن آزادی ای هستند که مسیح، ما را به خاطر آن آزاد ساخت. بنابراین ما دیگر، گناهان و قصورات و

مشکلات خود را به گردن دیگران نمی‌اندازیم و دیگر با متهم کردن دیگران خود را توجیه نخواهیم کرد. با آزادی از فریب و حسادت، یکدیگر را یاری خواهیم داد تا منابع درونی خویش را کشف نماییم و در مسیر خود به سوی قدوسیت سلوک کنیم، با اعتماد متقابل و ستایش مشترک رحمت خداوند، که در تشویق و در کی دو سویه متجلی شده است.

ای خداوند عیسی،

هر گاه به ملاقات گناهکاران می‌آیی، به ایشان اعتماد می‌بخشی

آن گاه که گفتی: «دیگر گناه مکن»

پیش از آن گفته بودی «گناهان شما آمرزیده می‌شود»

تو خطایای رسولانت را اصلاح نمودی

لیکن به طریقی که دوستی‌ات را بیش از پیش دریافتند

و مشتاق و آرزومند آن گردیدند تا ارزش این دوستی را بیشتر لایق باشند

بگذار من نیز اصلاح شفقت‌آمیز و یاری بخش‌ت را دریابم

و تشویق تو را به وساطت دوستان‌ت،

و فرا گیرم که آن را به کسانی که نیازمندش هستند، تقدیم نمایم.

آمین.

### ۳- شفای خاطرات آزاردهنده

«ای خداوند مرا یاد کن به رضامندی ای که با قوم خود می‌داری. و به نجات خود از من تفقد نما، تا سعادت برگزیدگان تو را ببینم و به شادمانی قوم تو مسرور شوم و با میراث تو فخر نمایم». با پدران خود گناه نموده ایم، و عصیان ورزیده شرارت کرده ایم. پدران ما کارهای عجیب تو را در مصر نفهمیدند و کثرت رحمت تو را به یاد نیاوردند، بلکه نزد دریا یعنی بحر قلزم (دریای سرخ) فتنه‌انگیختند لیکن به خاطر اسم خود ایشان را نجات داد تا توانایی خود را اعلان نمایند...



«ای پیهو خدای ما، ما را نجات ده، و ما را از میان امتهای جمع کن تا نام قدوس تو را حمد گوئیم و در تسبیح تو فخر نماییم» پیهو خدای اسرائیل متبارک باد از ازل تا ابدالآباد و تمامی قوم بگویند آمین - هلولیا (مزمور ۱۰۶)

تفتیش ضمیر خود در حضور خداوند و در مقوله راز آشتی، جایی که خادم مسیح، آموزش خدا را رسماً اعلام می نماید و نیز به ستایش قدرت شفا بخش خدا می پردازد، تأثیری پاک کننده و شفا بخش بر خاطرات ما دارد. انسانهایی که گرایش به متهم کردن دیگران و توجیه اعمال خود دارند عموماً دارای خاطراتی نابسامان و پریشان هستند. آنان پیوسته در فکر صدماتی هستند که به زعم ایشان، دیگران برایشان وارد کرده و این بدیها را به یاد آنان نیز می آورند. آنها همیشه خشمگین و تلخ هستند زیرا گمان می برند دیگران بزرگی های ایشان را حرمت نمی دارند.

راز آشتی را باید در پرتو مقوله قیام مشاهده کرد. یادآوری گناهانمان با در نظر گرفتن آنچه خدا برای ما انجام داده است، سلامت ذهن را به ضمیر ما باز می گرداند. یادآوری تمام آنچه او در طول تاریخ انجام داده است، و اقرار به تمامی نیکوییهایی که از سوی او به ما رسیده و کماکان نیز می رسد و نیز نیکویی هایی که از سوی دیگران در حق ما به عمل آمده، ضمیری سالم در ما تولید می نماید، ضمیری تهی از خاطرات بد. این ضمیر سالم، روابط سالم را سبب می شود و آن را رشد و توسعه می بخشد. این امر بخشی حیاتی از روند رهایی و آزادی و تندرستی است که مسیح آن را به ما وعده می دهد.

صحبت کردن از گناه، تنها به خاطر خود گناه، صحبتی گناه آلود است. یادآوری گناهان صرفاً در شکل گناه آلود و آزار دهنده آنها، تنها به صدمات بیشتر ذهنی دامن می زند. اما یادآوری گناهان در زمینه خاطره ای خوش، ستایش خدا برای تمامی آنچه برای ما انجام داده است و یادآوری آنها در مسیر تفتیش ضمیر خویش با هدف مشخص ستایش رحمت خدا در نیایش (عبادت) و زندگی: این است عملی که دارای معنی و مفهوم است. این امر رویدادی شفا بخش است.

اگر خاطرات ما با ستایش رحمت خدا و اطمینان از دریافت آموزش او شفا یابد، از این پس یادآوری گناهانمان تنها کمک می کند تا دلسوزتر باشیم، به درک بیشتری نائل آییم و آمادگی بیشتری برای بخشیدن گناه دیگران بیابیم. ضمناً در این مسیر ما می توانیم بی عدالتی هایی را که متحمل شده ایم به شکلی مفید به خاطر آریم زیرا آنها را تنها برای تمجید و ستایش خدا از طریق آموزش شفا بخش او به خاطر خواهیم آورد.

بدین ترتیب ناراحتی های ما و خاطرات آزار دهنده دیگران کاملاً شفا خواهند یافت و تمامی امور منفی به حیطة قدرت سازنده و رهایی بخش شفای الهی و بخشش او وارد خواهند شد.

خداوندا سپاسگزار تو هستم

بخاطر راز قربانی مقدس و دیگر رازهای مقدس تو.

در تمامی این امور، تو همه برکات خویش را که بر ما ریختی به یاد ما خواهی آورد و ذهن و خاطره ای مطبوع در ما خواهی آفرید.

آن گاه که به اعتراف گناهانم می نشینم، مرا یاری ده تا در کنار گناهان خویش همه عجایبی که برای ما به عمل آورده ای به یاد آورم.

و یاری ام ده تا هر گاه دیگران باعث رنجش من می شوند،

هرگز آن رنجش را بدون به یاد آوردن اینکه تو گناهان مرا بخشیده ای به

خاطر نیاورم

و مرا همواره برای شفای خاطرات آزار دهنده ام دعوت نما. آمین

#### ۴- نام بی همتای تو و بازی نفس

«... زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و موت آزاد گردانید

زیرا آنچه از شریعت محال بود چون که به سبب جسم ضعیف بود خدا پسر خود را در شبیه

جسم گناه و برای گناه فرستاده بر گناه فتوی داد»

«تا عدالت شریعت کامل گردد در ما که نه به حسب جسم بلکه بر حسب روح رفتار می‌کنیم زیرا آتانی که بر حسب جسم هستند در چیزهای جسم تفکر می‌کنند و اما آتانی که بر حسب روح هستند در چیزهای روح»

از آن جهت که تفکر جسم موت است لکن تفکر روح حیات و سلامتی است به این دلیل که تفکر جسم دشمنی خداست چون که شریعت خدا را اطاعت نمی‌کند زیرا نمی‌تواند هم بکند» «و کسانی که جسمانی هستند نمی‌توانند خدا را خوشنود سازند لیکن شما در جسم نیستید بلکه در روح هرگاه روح خدا در شما ساکن باشد و هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست» «و اگر مسیح در شماست جسم به سبب گناه مرده است و اما روح به سبب عدالت حیات است و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد او که مسیح را از مردگان برخیزانید بدنهای فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت به روح خود که در شما ساکن است» (رومیان ۸: ۲-۱۲)

در راز آشتی، خداوند هر یک از ما را به نام می‌خواند، او ما را چون دوست نزد خود می‌خواند، تو من ما.

برای دریافت آرامش برکات و این راز مقدس، تشخیص این تو-من موجود میان مسیح و خویشتن فرد در جماعت ایمانداران از بازی گمراه کننده نفس، بسیار حائز اهمیت است.

یکی از مهمترین کمک‌های روان‌شناسی انسانی، تمایز قائل شدن میان نفس در سطح وجدان پرورش نیافته و یکپارچگی و انسجام آن به عنوان عاملی اجتماعی در سطح یک وجدان پرورش یافته و حقیقی، و خود نفس به عنوان نماینده نیروهای غیرشخصی و خودستایی جمعی در انسانی است که هنوز به سطوح بالاتر وجدان دست نیافته و یا به هیچ وجه به نیروهای پویای نفس در پرورش وجدان حقیقی نرسیده است.

در اولین سطح از پرورش شخصیت یک کودک، نفس قویاً زمام امور را در دست دارد. کودک می‌آموزد که تمیز باشد یا ساکت و این امر از طریق

واکنش‌های والدین و اشخاصی که مسئولیت وی را به عهده دارند صورت می‌گیرد. من او (که تا کنون همان نفس است) نسبت به تأیید یا عدم تأیید و همین‌طور نسبت به تحسین نمودن یا سرزنش کردن، پاداش دادن یا تنبیه کردن و واکنش نشان می‌دهد. کودک اساساً نیازمند تأیید شدن است. او با تأیید، زندگی می‌کند و نسبت به مخالفت متزلزل بوده و واکنش نشان می‌دهد. بنابراین تربیت صحیح می‌تواند ابزاری مفید در مسیر رشد او باشد. اما اگر والدین در روبرو شدن با او همچون افرادی اخلاق‌گرا یا مأمورین پلیس، سعی در تربیت صحیح او داشته باشند، من حقیقی کودک که محبت فراگیر و غیر خودخواهانه را ادراک می‌کند، آن منی که می‌تواند اعتماد کند و از محبت شدن در ورای مخالفت‌های لحظه‌ای اطمینان داشته باشد، آن‌گاه چنین کودکی رشد و پرورش مناسبی نخواهد داشت.

نفسی که نماینده نظم و انضباط است می‌تواند مورد استفاده صحیح والدین قرار گیرد و نیز می‌تواند چنان مورد سوء استفاده قرار گیرد که خویشتن حقیقی کودک، فرصتی برای رشد خود نیابد. البته نفس به عنوان نماینده نظم و انضباط و نیز انسجام و ایفای نقش صحیح، می‌تواند به عنوان عامل اجتماعی شدن کودک نیز عمل کند اگر روابط جاری بر اساس اعتماد، ایثار متقابل، با هم بودن و برای هم بودن باشد.

یافته‌های روان‌شناسی پیرامون بازی نفس، حداقل در درک یکی از جنبه‌های بحران کنونی راز توبه به ما کمک می‌کند، من در اینجا مایل‌م تا درباره برخی از ابعاد این بحران توضیحاتی ارائه نمایم.

چنانچه کودکی را برای اولین بار مجبور به اعتراف گناه کنند و این وضعیت در سنینی به صورت یک قاعده درآید که هنوز قدرت من او بر قدرت نفس او غالب نیامده باشد و چنانچه روش تربیت منجر به پدید آمدن فهرستی کلیشه‌ای از گناهان گردد که بر اساس اصل و نظم و انضباط هستند و خصوصاً اگر کشیش

به جای ایفای نقش کسی که اعتماد کودک را به خداوند جلب می‌کند در نقش یک ناظر و بازپرس ظاهر شود و نتواند مژده پذیرفته بودن کامل او در حضور خداوند را به درستی منتقل سازد و اگر این امور و امثال آن به وقوع بپیوندند آن‌گاه خطری بزرگ به وجود خواهد آمد که در آینده، یعنی سنین نوجوانی و بلوغ فرد، اعتراف به گناه تنها در محدوده نفس باقی خواهد ماند و بس. به این ترتیب اعتراف صرفاً یک وظیفه و یا ملاقات با بازپرسی خواهد بود که نماینده داور الهی یا بازجوی الهی است. چنانچه بعدها، شخص نوجوان یا بالغ، این نظام را توسعه بخشد و به درک صحیح‌تری از راز آشتی نائل نگردد، آگاهانه یا ناخودآگاه آن را ترک خواهد نمود.

از همان ابتدا ضروری است که کودک به ادراکی درست از این راز دست یابد. یعنی به این مفهوم که این آیین به هیچ وجه یک روش بازجویی و نظارت نیست. او نباید فرا گیرد که فهرستی کامل از گناهان را ارائه دهد بلکه باید بداند که با دوستی سخن می‌گوید که یک دوست آسمانی یعنی مسیح را برای او مکشوف می‌سازد، که او را با تمامی ضعفهایش و نیاز او به رشد درک می‌کند و می‌پذیرد.

لارنس کولبرگ، روانشناس پرورش وجدان عقیده دارد که بسیاری از مردم، خصوصاً در فرهنگ غرب، هرگز از سطح نظم و انضباط یا مقوله «دختر خوب یا پسر خوب بودن» نمی‌گذرند. برای آنها راز توبه، تحقق نیاز نفس است. آنها تنها به این دلیل که در برابر شریعت «دوباره عادل» شوند به گناهان خویش اعتراف می‌کنند. بدیهی است این روش هیچ کمکی در غلبه یافتن بر گناهان نمی‌کند زیرا در لحظه‌ای که فکر ناظر یا بازجو در ذهن آنان نباشد مجدداً سقوط خواهند کرد. سپس نفس قدرتمند آنان مجدداً با احساس گناه و تقصیر، روح و روان ایشان را آزار و شکنجه خواهد داد و باز به سوی اعترافی ظاهری خواهند شتافت که برای ایشان به قانونی در زندگی بدل شده است.

این به هیچ وجه چیزی نیست که مسیح در راز توبه مد نظر دارد. هدف عیسی برخورداردی کاملاً شخصی با فرد پریشان است تا به این ترتیب انسجام و یکپارچگی را مجدداً به او بازگرداند و به او کمک کند تا خویشتن حقیقی خود و قدرت آن را کشف و به آن اعتماد نماید.

بنابراین، در راز توبه، ما صرفاً از دیدگاه شریعت یا نظم و انضباط اقدام به اعتراف گناه نمی‌کنیم بلکه از دیدگاه «شریعت فیض»، توانایی‌های واقعی خود، پستی‌ها و بلندی‌ها، و فرصت‌های ایجاد شده برای انجام اعمال مثبت. و از او می‌خواهیم تا به خاطر از دست دادن برخی فرصت‌ها ما را ببخشد و فیض او را می‌طلبیم تا ما را هشیارتر، بیدارتر و آزموده‌تر سازد.

ما تنها به این دلیل که شریعت و قانون از ما خواسته است، به گناهان خویش اعتراف نمی‌کنیم بلکه بیشتر به جهت داشتن یک زندگی بر پایه رابطه‌ای دلپذیر، رابطه‌ای بر مبنای اعتماد به خداوند خود، آماده برای رشد و پویایی و آرزومند شفا و رهایی از چنگال خودخواهی و دست یافتن به روابطی سالم با همراهان دیگرمان در زندگی و نیز با خویشتن خویش.

به این ترتیب به واسطه راز توبه، ما به تدریج به درک آن نامی که خداوند ما را به آن خوانده است نایل خواهیم شد. ما در می‌یابیم که دعوت شده ایم تا همکاران خداوندی باشیم که مایل است هر یک از ما شاکاری شگفت‌انگیز در دستان او باشیم. ما به دستیاران هنرمند او بدل خواهیم شد و به اکتشاف منابع درونی خود و نیازهای دیگران خواهیم پرداخت. ما در خواهیم یافت که خداوند ما را به عنوان همکاران خود در تاریخ پیش رونده نجات برگزیده است و ما با شهامت و غیرتی احیا شده این مسئولیت را می‌پذیریم.

اگر ما از این بُعد به راز آشتی بنگریم و در آن شادی نماییم، خود به خود انرژی نفس را در مسیر مسئولیت‌پذیری واقعی هدایت خواهیم نمود. نگرانی اول ما، دیگر این نخواهد بود که آیا ما تأیید می‌شویم، مورد تحسین قرار می‌گیریم،

پاداش گرفته یا تنبیه می شویم، بلکه آیا خداوند را راضی نموده ایم و همکاران خوبی در کار شگفت‌انگیز نجات، آزادی و رشد و پویایی در جهت پذیرفتن مسئولیت مشترک او بوده ایم. در چنین صورتی ما بیشتر به فکر محبت کردن و تأیید دیگران هستیم تا تأیید شدن از سوی آنان.

با این توصیف ما دیگر «ستونی از نمک» نخواهیم بود که به عقب نگرسته باشیم بلکه در حرکتی «به سمت جلو» مشارکت خواهیم داشت، مشارکتی با خدای تاریخ، که آزادی پویایی و مزیت اعتماد و توکل و همکاری خلاق در اصلاح پیش‌رونده برای جامعه بشری و روابط سالم میان انسانها را به ما بخشید.

خداوندا، تو را شکر می‌گویم

به خاطر عطیه ایمان و به خاطر دوستی‌ات.

تو مرا به نام منحصر به فرد من خواندی،

همان‌گونه که روز مقدس قیام خود، مریم‌مجدلیه را به نام خواندی

و او تو را شناخت.

تو ما را به لطف عطیه شگفت‌انگیزت یعنی روح القدس هدایت می‌کنی،

که قلبهای ما را بر فرصت‌های بسیار می‌گشاید

تا ملکوت محبت تو را، آرامش و عدالت تو را توسعه بخشیم،

و همسایه خویش را یاری دهیم.

خداوندا، مرا بخوان!

مرا به قلب خود نزدیک ساز،

تا دیگر هرگز غلامی

در انتظار پاداش،

یا در ترس از تنبیه یا نارضایتی

از سوی سردمداران یا از مردم نباشم. آمین

## ۵- خروج و ملکوت

پس به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد استوار باشید و باز در نوع بندگی گرفتار نشوید... زیرا که شما ای برادران به آزادی خوانده شده‌اید اما زنده‌ار آزادی خود را فرصت جسم مگردانید بلکه به محبت، یکدیگر را خدمت کنید زیرا که تمامی شریعت در یک کلمه کامل می‌شود یعنی در این که همسایه خود را چون خویشتن محبت نما. اما اگر همدیگر را بگزید و بخورید با حذر باشید که مبادا از یکدیگر هلاک شوید. اما می‌گویم به روح رفتار کنید پس شهوات جسم را به جا نخواهید آورد

زیرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف جسم و این دو با یکدیگر شدید منازعه می‌کنند به طوری که آنچه می‌خواهید نمی‌کنید اما اگر از روح هدایت شدید زیر شریعت نیستید و اعمال جسم آشکار است یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور و بت‌پرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصب و شقاق و بدعتها و حسد و قتل و مستی و لهب و لعب و امثال اینها که به شما خبر می‌دهم چنان که قبل از این دادم که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی‌شوند لیکن ثمره روح محبت و خوشی و سلامتی و حلم، مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است که هیچ شریعت مانع چنین کارها نیست و آنانی که از آن مسیح می‌باشند جسم را با هوسها و شهواتش مصلوب ساخته‌اند. اگر به روح زیست کنیم به روح هم رفتار بکنیم. (غلاطیان ۵)

راز مصالحه، راز تحول است و روی گرداندن از اسارت گناه و بازگرداندن دل

و ذهن و اعمال به سوی خدا است. کتاب مقدس هم از جنبه فردی و هم از جنبه جمعی و تحت‌الگوی خروج کرا را از تحول و دگرگونی سخن می‌گوید. این امر به معنای پشت سر نهادن و آزاد شدن از اسارت گناه و رهسپار شدن به سوی ملکوت خدا در مسیری صحیح و روشن است. هر گاه که ما در راز آشتی شرکت می‌کنیم، باید با دلیری وارد تاریخ عظیم خروج شویم و به زائربنی در جاده ملکوت خدا مبدل شویم.

در این مسیر ما به ابراهیم و موسی و اسرایلیان و در آخر به عیسی می‌نگریم. ابراهیم با دعوت خدا، فرهنگ کهن را با تمامی عقاید و تفکرات آن پشت سر

می‌نهد، فرهنگی غنی اما تکبرآمیز. او با بدل شدن به یک زائر و رهسپار شدن به سوی سرزمینی که خداوند وعده آن را داده بود و نیز با پذیرش خطراتی که نهفته در اطاعت او از خداوند بود آزادی تازه‌ای بدست آورد. افق‌های تازه‌ای از ایمان پیش روی او باز شده بود.

موسی و اسرایلیان اسارت در مصر را پشت سر نهادند، آن مکان آسودگی و امنیت نسبی و ثابت را که حتی بردگان نیز از آن بهره می‌بردند. آنها به همراه موسی رهسپار شدند زیرا موسی به وعده‌های الهی ایمان داشت. او با توجه به عهدی که خدا از آن سخن گفته بود و قوم او را به عنوان قوم خدا متحد می‌ساخت و آنان را در یک همکاری مسئولانه در پیشگاه خدای ایشان به آزادی رهنمون می‌ساخت، به آزادی و نجات ایمان داشت.

عیسی خروج را در شکل کامل خود تازه ساخت. او رفاه اجتماعی، ثروت، راحتی و جلال دنیوی را ترک نمود. او همچنین انتظارات و توقعات غالب مردم را که در پی پادشاهی قدرت، برتری و جنگ و پیروزی بودند، رها نمود. او هیچ‌گونه سوءاستفاده از مذهب در جهت جاه‌طلبی‌های فردی و اجتماعی را روا نمی‌دانست. تمامی زندگی او یک خروج بود، پشت سر نهادن همه چیز.

او پُری زندگی را در کلام خدا یافته بود، با وجودی که در بیابان زندگی می‌کرد و مژده ملکوت را به هر که به او گوش می‌سپرد اعلام می‌نمود تا زمانی که توسط حکام قوم خود از اورشلیم رانده شد و به این ترتیب خروج نهایی را بر تپه جلیلتا کامل ساخت. خروج او ملکوت خدا را به شکل ملکوت محبت، آزادی حقیقی، اعتماد و آرامش آشکار نمود.

راز آشتی دعوتی است به سوی یک رهایی خلاق، دعوتی برای به مرگ سپردن تمامی خودخواهی‌ها، فردی یا جمعی و نهایتاً پیروی از مسیح در خروج او بر جاده منتهی به صلیب.

در رساله به غلاطیان، پولس، خروج از قانون‌گرایی شریعتی و نیز تمامی

انواع مراسم عرفی و معمول را به سوی آزادی حقیقی نشان می‌دهد. او به وضوح پرده از آن نوع رفتار که آزادی حقیقی را مبهم و کدر می‌سازد برمی‌دارد و نشان می‌دهد که باید از آنها گذر نمود. هدف این خروج، سرزمین موعودی است که پولس به عنوان ثمره روح از آن نام می‌برد، حیاتی کاملاً نو در محبت خدا، آنجا که در محبت خدا به قومش ما به او ملحق می‌شویم و همکاران او در ملکوت صلح و شادمانی می‌گردیم.

این ملکوت، از آن مسیح‌خادمی است که نیامد تا با قدرت خویش دیگران را مغلوب سازد بلکه تا ایشان را با نرمی، مهربانی و نیکویی به پدر نزدیک سازد.

هر یک از ما نیازمند خروج و رهایی از خودخواهی بی‌ثمر و فزاینده خود هستیم. در عین حال نیازمند خروج و رهایی از تمامی عقاید و تفکرات و انواع رفتارهایی هستیم که ما را برده خود ساخته یا می‌کوشند در دنیای امروز ما را اسیر خود نمایند. باید بسیاری از سوء تعبیرات خود را از آزادی در قالب یک فرهنگ فردی و شخصی کنار بگذاریم. ما همواره در وسوسه کسب آزادی‌های خود هستیم تا آنجا که حتی موجب ضرر رساندن به دوستی، وفاداری و عدالت اجتماعی می‌شویم.

ما آن آزادی‌ای را پشت سر می‌گذاریم که آن را دزدیده‌ایم و به سرزمینی وارد خواهیم شد که موطن آزادی حقیقی است و آزادی را به گونه‌ای نو و به عنوان عطیه‌ای از سوی خدا دریافت می‌کنیم و چنان در جهت اعتلای آزادی دیگران از آن بهره خواهیم برد که گویی بیان سپاس و قدردانی ما نسبت به خدای بخشنده آن است.

ما شعارهای کلیشه‌ای، مصنوعی و سرگرم‌کننده را پشت سر خواهیم گذارد و خود را از قید تفریحات سرگرم‌کننده که مانع تمرکز و تعمق اندیشه می‌شود رها خواهیم ساخت. این خروج ما را به سوی خویشستن حقیقی رهبری خواهد کرد و دروازه حقیقت نجات را بر روی ما خواهد گشود.

ما آن جامعه خود محور را که تنها به فکر موفقیت خویش است رها خواهیم نمود، جامعه‌ای که بیشتر به فکر داشتن، تملک، کردن و مصرف است تا بودن و عشق ورزیدن. ما الگوهای مصرف را با تمامی نیازهای مصنوع بشری پشت سر خواهیم گذارد تا نیازهای والاتر خویشتن حقیقی خود و هموعان خود را کشف نماییم.

ما ایده‌های خشونت باری را که بطور مرتب در برنامه‌های تلویزیونی به ما عرضه می‌شوند نادیده خواهیم گرفت.

در پرتو نور مسیح، خادم خدا، خود را از این تفکر ویرانگر که «چاره طبیعی هر نوع برخورد و تضادی همان خشونت، عصبانیت و جنگ است» رها خواهیم ساخت و به سوی سرزمین موعود ملایمت، درک متقابل، قدردانی و آشتی رهسپار خواهیم شد.

ما به فرهنگ سطحی‌ای که مواد مخدر را به عنوان ابزاری برای حل مشکل طبیعی یأس می‌نگرد و قعی نمی‌گذاریم و فرهنگ ملال‌آوری را که به طور اجتناب‌ناپذیر سهم مردمی شده است که تصور می‌کنند می‌توانند «شادمانی» را در مراکز خرید و فروش بیابند رد می‌کنیم. ما میگساری و مصرف افراطی و نادرست نیکوتین را پشت سر می‌گذاریم. همه اینها ارزش کنار نهادن را دارند زیرا که ما در پی استقرار ملکوت شادمانی حقیقی و آزادی در خداوند هستیم.

ما همچنین بی‌فرهنگی‌ای را که روابط جنسی پست را به عنوان کالای مصرفی عرضه می‌دارد کنار می‌نهیم، که به وسیله آن اشخاص یکدیگر را نابود می‌کنند، آزار می‌دهند و تحقیر می‌سازند.

و نیز تمامی عقاید و ایده‌هایی که در حال حاضر در صدد حقانیت بخشیدن و یا برتر جلوه دادن هم‌جنس‌گرایی، روابط جنسی فرا ازدواجی و ازدواج غیررسمی هستند را رها می‌کنیم. زیرا در پی ملکوت نیکویی، وفاداری، اعتماد، احترام متقابل، و جستجوی مشترک در رسیدن به حقیقتی والاتر و عظیم‌تر و عدالتی مطمئن‌تر هستیم.

ما تمامی بیزاری‌ها، احساسات منتج از نفرت و خصومت را کنار می‌گذاریم و خیرخواهی و مهربانی و دوستی حقیقی را از مسیح می‌آموزیم.

ما هر نوع تنبلی و رخوت و سستی و هر نوع دیگر از نتایج رفاه ناسالم را از خود می‌زداییم و در مسیر سرزمین مسئولیتهای فردی و مشارکتی، همراه با احساس تعهد نسبت به وظیفه خطیر گسترش صلح و عدالت گام برمی‌داریم و خطر یک زندگی حقیقی را در پرتو نور درخشان مسیح، نجات دهنده جهان به جان می‌پذیریم.

ما بندها و اسارت‌های بی‌شمار این خودخواهی مجسم شده را از خود دور می‌کنیم، هر چند در این میان دنیای خواهران و برادران خویش را کنار نخواهیم گذاشت، بلکه بر عکس، در پی این خروج خواهیم بود تا به عنوان انسانهایی آشتی‌جو به آنان نزدیک‌تر شویم و دستها و قلبها را به منظور ساختن موطنی برای عدالت، صلح، ملایمت و مشارکت مسئولانه به هم نزدیک‌تر سازیم.

ما شهامت پذیرش مسئولیت این خروج را داریم زیرا مسیح را به عنوان رهبر و قوت خود می‌شناسیم. او به ما وعده قطعی شراکت در آزادی و محبت، شادی و آرامش خود را داده است. او وعده روح خود را به ما داده است، روحی که بخشنده همه عطایای نیکوست. بنابراین به روح القدس اطمینان کرده، می‌پذیریم که به قدوسیت خوانده شده‌ایم، به حیاتی که در فراوانی، میوه روح را در ما تولید می‌نماید، اگر چه این دعوت در برگیرنده پیکاری است بر ضد هر آنچه که با ملکوت خدا مغایر باشد.

اگر ما چشمها و قلبهای خود را به روی سرزمین موعود حیات یعنی زندگی در مسیح که هادی آن روح القدس است بگشاییم، هیچ تردیدی برای پشت سر گذاردن این سرزمین بیگانه و غریب، سرزمین اسارتها، خودخواهی‌ها و این مکان «خوشگذرانی» و هر چیز دیگری که این سرزمین به ما عرضه می‌دارد به خود راه نخواهیم داد.

خداوندا، از تو سپاسگزارم به خاطر تمامی آنچه که برایم مکشوف ساختی، از ماهیت حقیقی و تصویر جذاب ملکوت خدا این همان طریق شگفت‌انگیز توست که بوسیله آن، پشت سرگذاوردن آن چه بر ضد ملکوت آسمانی است را بر ما سهل تر می‌سازد. تو بر ما روا داشتی تا زیبایی دوستی‌ات را احساس کنیم؛ از این پس نه تنها جرأت خواهم داشت تا این گونه دعا کنم که «هر آنچه مرا به تو نزدیک تر می‌سازد، همان را به من عطا کن» بلکه این گونه نیز می‌طلبم که، « هر آنچه مانعی در طی طریق من به سوی توست از من جدا کن و دور ساز». آمین.

#### ۶- خوشا به حال ماتمیان

«ای خداوند از زمین خود راضی شده‌ای، اسیری یعقوب را باز آوردی، عصیان قوم خود را عفو کرده‌ای، تمامی گناهان ایشان را پوشانیده‌ای، تمامی غضب خود را برداشته و از حدت خشم خویش رجوع کرده‌ای، ای خدای نجات ما، ما را برگردان و غیظ خود را از ما بردار، آیا تا به ابد با ما غضبناک خواهی بود و خشم خویش را نسلاً بعد نسل طول خواهی داد، آیا برگشته ما را حیات نخواهی داد، تا قوم تو در تو شادی نمایند، ای خداوند رحمت خود را بر ما ظاهر کن و نجات خویش را به ما عطا فرما، آنچه خدا بپوهه می‌گوید خواهم شنید زیرا به قوم خود و به مقدسان خویش به سلامتی خواهد گفت، تا به سوی جهالت بر نگردند، یقیناً نجات او به ترسندگان او نزدیک است، تا جلال در زمین ما ساکن شود، رحمت و راستی با هم ملاقات کرده‌اند و عدالت و سلامتی یکدیگر را بوسیده‌اند، راستی از زمین خواهد رویید و عدالت از آسمان خواهد نگریست. (مزمور ۸۵)

در هسته مرکزی مژده‌های مسیح در موعظه سر کوه این وعده نهفته است: «خوشا به حال ماتمیان زیرا ایشان تسلی خواهند یافت» (متی ۵: ۴). در راز آشتی، ما با شکرگزاری و چشمانی سرشار از اشک، غم خداوند، شفقت او و مرگ او را به یاد می‌آوریم که نتیجه گناهان ما بود. بسیار دردآور است که به یاد آوریم ما سبب چنین رنجی برای او بودیم. اما این امر تسلی‌دهنده نیز می‌باشد زیرا به یاد می‌آوریم که خداوند با نفرت و بیزارگی متحمل رنج نشد بلکه او کماکان ما را دوست داشت و هر آنچه به عمل آورد به منظور نزدیک ساختن ما به قلب خویش بود. پس به این ترتیب، رنج و مرگ مسیح را تمجید می‌نماییم و پدر که او را در حیاتی تازه از مردگان برخیزانید ستایش می‌کنیم. با ملحق شدن به غم‌های مسیح و به محبت دلسوزانه او برای همگان، وجود خود را نسبت به تسلی راز گذر می‌گشاییم. گناه، رنجی باطل را سبب می‌شود و اگر از آن توبه نشود، موجب خاطرات آزاردهنده و مخرب می‌شود. دردی که گناه به بار می‌آورد هیچ ارزش مثبتی ندارد، بلکه ما با توبه، خود را نسبت به حیاتی تازه، تولدی مجدد و یک آزادی نو، آماده می‌سازیم. غم ما، باید شراکت در غم مسیح باشد و نه غمی خودم‌محور. غمی که از سوی خداوند است شرمندگی به خاطر بیانات و اظهارات ناپسند نیست و نیز آزار و شکنجه نفس، که خود در تقلایی پیوسته برای نجات است. بلکه غم حقیقی خویشتن‌ماست که در حضور خداوند ایستاده است. اشک‌های ما اشک‌هایی خالص و پاک هستند زیرا رنج ما نتیجه تفکر ما درباره گناهانی است که خودخواهی جمعی بشر را در جهان فزونی می‌بخشد، یعنی تحقق عذاب ابدی. امتناع ما از انجام اعمال نیکویی که قادر به اجرای آنها هستیم، موجب کاهش صلح و نیکویی بر روی زمین گردیده است. غم ما هنگامی مبارک است که ما را به سوی حقیقت و اعتراف این مطلب سوق دهد که شریعت خداوند، شریعت محبت و عدالت، صلح و حقیقت، مقدس

و نیک و عادلانه و روحانی است و این ما هستیم که ناسپاس و غیرمنصف بودیم. درک این موضوع که ما نیاز به دگرگونی و آن هم یک دگرگونی مستمر و بسیار عمیق داریم، دردناک است. با وجود این در تجربه غم خویش در پیشگاه خداوند، این تسلی را نیز تجربه خواهیم نمود که این دگرگونی امکان پذیر است. تسلی بیشتر در این حقیقت نهفته است که اگر ما مایل باشیم تا کاملاً متحول شویم و دعوت خداوند را در مسیر یک زندگی مقدس بپذیریم، آن گاه وعده‌های عظیم و بی شمار خداوند از آن ما خواهند بود.

غمی که در یگانگی با رنج و مرگ خداوند باشد، آزادی و تسلی برای افراد بسیاری به ارمغان خواهد آورد. عذاب وجدان در چنین شرایطی تبدیل به غمی تطهیر کننده می شود که بیزار از گناه خواهد بود اما نه به دلیل مزیت‌های شریعت در جهت نجات شخصی خویش بلکه بیشتر به خاطر نجات تمامی نسل بشر. تولد تازه ای که به اراده خداوند بوده و نتیجه یک پشیمانی و ندامت واقعی باشد، تولدی است در حفظ مسئولیت مشترک و محبتی احیا شده نسبت به خدا و دیگر آدمیان.

فوران ناشی از چنین تولد تازه‌ای که در توبه دائمی و غمی تمام عیار باشد، آرامش، خوشی، اعتماد و محبتی است که با دیگران ارتباط برقرار کرده به ایشان کمک می کند تا به این باور برسند که آنان نیز به این تسلی و آرامی خوانده شده‌اند. سپس آنها نیز می توانند رنج این غم و کشمکش توبه دائمی را با ما بپذیرند.

خداوند، روح را بفرست

تا ما را پاک نموده و پیکربندی نماید.

حتی اگر در پیشگاهت به گناهانم معترف باشم

و از بیزاری خود از گناه ترا اطمینان بخشم

باز باید از خویشتن کهنه خود هراسان باشم.

دل سوزاندن یا نگران خود بودن تا این که دیگران تصویری نیکو

در ذهن خود از من یابند

این نیز می تواند مانعی برای رسیدن به آن غم متبارک باشد که تنها این غم است که خواهد توانست مرا به رنج و مرگ متبارک تو و نیز به قدرت شگفت انگیز رستاخیزت نزدیک تر سازد، خداوند، به من و تمامی انسانها قلبی واقعاً نادم عطا نما!  
آمین

#### ۷- عمیق تر ساختن انتخاب بنیادین خود

بنا بر این چون که ما نیز چنین ابر شاهدان را گرداگرد خود داریم هر بار گران و گناهی که ما را سخت می پیچد دور بکنیم و با صبر در آن میدان که پیش روی ما مقرر شده است برویم و به سوی پیشوا و کامل کننده ایمان یعنی عیسی نظاره گر باشیم که به جهت آن خوشی که پیش او موضوع بود بی حرمتی را ناچیز شمرده متحمل صلیب گردید و به دست راست تخت خدا نشسته است...

«در پس سلامتی با همه بکوشید و تقدسی که به غیر از آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید و مترصد باشید مبادا کسی از فیض خدا محروم شود»..... (عبرانیان ۱۲: ۱-۲ و ۱۴ و ۱۵)

آموزه سنتی همیشه بر اهمیت هدف اصلاح نظر تأکید ورزیده است. ما نیز باید همان گونه که نویسنده رساله به عبرانیان به آن می نگرد به موضوع نگاه کنیم یعنی نیتی قلبی برای تلاش به سوی مسیر یک زندگی مقدس.

امروزه نیز می توانیم انعکاس آن را بر دیدگاه بنیادین خود ببینیم. مقاصد فردی در اجتناب از زشتی و زندگی بر اساس قانون، تا زمانی که به بخشی از دیدگاه بنیادین ما نسبت به خداوند بدل نشوند قابل اجرا و مؤثر نیستند.

همیشه برای افرادی که در یک اجتماع مسیحی متولد می شوند رئوسی کلی در ارتباط با انتخاب اساسی برای زندگی مسیحی وجود داشته است. کودکی که نتیجه کار خالق نیکوست، نیکویی بیشتری در درون خود دارد تا شرارت. ما در



دنیایی زندگی می‌کنیم که هم نجات یافته است و هم کماکان در زیر یوغ گناه گرفتار است.

ما نیازمند انتخابی اساسی، روشن و واضح برای حفظ وحدت نجات بخش در مسیح هستیم.

کودکی که می‌خواهد مسیح را محبت و او را خشنود نماید، از قبل این انتخاب بنیادین را درون خود بعمل می‌آورد، هر چند باید آن را عمیق تر، وسیع تر، روشن تر و ملموس تر سازد. این دیدگاه باید در کل شخصیت و سبک زندگی او ریشه بگیرد. تنها در مقوله رشد و توبه دائمی است که انتخاب بنیادین ما مستحکم و تثبیت می‌گردد. هر یک از مراسم راز سپاسگذاری و به همان اندازه، راز آشتی باید انتخاب بنیادین ما را عمیق تر، وسیع تر و روشن تر سازند. این امر باید بدانجا رسد که در مرکز انتخاب بنیادین ما قرار گیرد، جایی که روح القدس به روح ما زندگی و حیات می‌بخشد.

گناه کبیره یکی از انتخابهای بنیادین شرارت است، گناه و رفتاری که در اعماق وجود ما با سرسپردگی ما نسبت به مسیح، در تضاد قرار می‌گیرد. چنانچه شخصی گناهی کبیره مرتکب شود، این امر خود را به صورت انحطاط، انزوا، خودمحوری فزاینده، تکبر و شبیه اینها ظاهر می‌سازد. اما چنانچه پس از ارتکاب گناه، شخص مسیحی به سرعت یا بلافاصله، تأسف و غمی بزرگ را تجربه کند و انتخاب اساسی خود را اصلاح نماید، آرزوی عمیق خود را در کسب رضایت خداوند و تلاش برای تقدس را بعمل آورد، می‌تواند اطمینان حاصل کند که گناه او یک گناه کبیره نبوده اگر چه می‌توانست جراحی جدی و خطری تضعیف کننده برای انتخاب بنیادین او باشد. اگر پس از هر خطایی، به آگاهانه ترین شکل و با نیتی خالص، در اندوهی عمیق و برخورداری عبادی به سوی مسیح، شفا دهنده خود بازگشت کنیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که تأثیر آزار دهنده گناه برداشته خواهد شد و انتخاب بنیادین ما به آرامشی مضاعف دست خواهد یافت.

ما باید راهبردهای کاملاً روشنی به منظور یک پیکار نظام یافته بیابیم و با نگرشی سازنده و مثبت به جنگ تمایلات شیرانه برویم. اما این راهکارهای خاص و مشخص باید در هماهنگی کامل با خود دیدگاه بنیادین ما باشند، همان گونه که در رساله به عبرانیان بیان شده است: «در آن میدان که پیش روی ما مقرر شده است برویم... و به سوی... عیسی نظاره گر... و در پی تقدس باشیم». برخی از مسیحیان امروزه بر این باورند که اگر گناه کبیره ای مرتکب شده اند تنها کافی است به سادگی آن را اعتراف کنند. این تفکر همان قدر نابخردانه است که در رفتن نزد پزشک تأخیر کنیم تا زمانی که مطمئن شویم او می‌تواند گواهی فوت ما را صادر نماید. ما بلافاصله پس از هر گناه نزد آن طبیب الهی می‌رویم، با قلبی لبریز از اندوه و غم، نیتی پاک و اعتمادی عظیم. در چنین لحظاتی ما او را با خلوص بیشتر با احساس قدردانی، اعتماد و توکل افزون تری می‌طلبیم و به واسطه راز آشتی رحمت او را بیش از پیش ستایش خواهیم نمود.

در راستای تشخیص شرایط خویش، نگاهی به جهت گیری کلی زندگی خود امری بسیار حائز اهمیت است. شخص یا ممکن است خطایابی جدی مرتکب شده باشد که منشأ آن طبیعت کهنه، عادات ناپسندیده و تأثیر منفی محیط است یا در مسیر خود می‌تواند در خط سیر صعود، رشد و پویایی و توبه دائمی قرار گیرد. اما در کنار این موارد قطعاً نیازمند آن شفا بخش الهی هستیم تا بر سختی‌ها و شکست‌های جزئی غالب آییم.

وضعیت بسیار جدی تر آن است که شخص اگر چه گناهای آشکار و تکان دهنده مرتکب نشده باشد اما خود را در مسیر تن پروری، بی بند و باری و خوشگذرانی، خود - محوری و وضعیتی بسیار خطرناک تر یعنی تن دادن به گروههای منیّت گرا قرار دهد. در اینجا تردیدی بزرگ در مورد حفظ انتخاب اساسی در مسیر خداوند و ملکوت او به چشم می‌خورد. حداقل کاری که شخص

می‌تواند انجام دهد، بازگشتی صادقانه و صمیمانه نزد آن شفا دهنده الهی است و این امر تنها با واکنش‌هایی از قبیل تأسف عمیق شخصی و دعای متواضعانه صورت نمی‌پذیرد بلکه با پذیرش صمیمانه پیشنهاد آن طبیب الهی برای دیدار فوری او در راز مقدس آموزش به انجام می‌رسد.

خداوندا، محبت تو به ما مرزی نمی‌شناسد.

پس این خواست تو خواستی است به حق

که هیچ از ما نمی‌خواهی جز نیکویی بی‌حد و مرز،

و طلبیدن جلال تو تا اعماق هر چیز،

و اسباب ملکوت را خدمت کردن، تصمیمی اساسی است.

به آتش روح‌ت ای خداوند

مرا قدرت و توانایی و جرأت در خدمت کردن ببخش. آمین

## ۸ - يك خانواده شدن

لهذا من که در خداوند اسیر می‌باشم از شما استعفا دارم که به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده‌اید رفتار کنید، با کمال فروتنی و تواضع و حلم متحمل یکدیگر در محبت باشید و سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید، یک جسد هست و یک روح، چنان که نیز دعوت شده‌اید در یک امید دعوت خویش، یک خداوند، یک ایمان یک تعמיד، یک خدا و پدر همه که فوق همه و در میان همه و در همه شماس. لیکن هر یکی از ما را فیض بخشیده شد به حسب اندازه بخشش مسیح، بنابراین می‌گویید چون او به اعلیٰ علیین صعود نمود، اسیری را به اسیری برد و بخشش‌ها به مردم داد، اما این صعود نماد چیست جز این که اول نزول هم کرد به اسفل زمین. آن که نزول نمود همان است که صعود نیز کرد بالاتر از جمیع افلاک تا همه چیزها را پر کند، و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیاء و بعضی مبشرین و بعضی شبانان و معلمان را، برای تکمیل مقدسین برای کار خدمت برای بنای جسد مسیح،

تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل به اندازه قامت پُری مسیح برسیم. تا بعد از این اطفال متموّج و رانده شده از باد هر تعلیم نباشیم از دغل بازی مردم در حيله اندیشی برای مکرهای گمراهی، بلکه در محبت پیروی راستی نموده در هر چیز ترقی نماییم در او که سراسر یعنی مسیح، که از او تمام بدن مرکب و مرتب گشته به مدد هر فصلی و بر حسب عمل به اندازه هر عضوی بدن را نمو می‌دهد برای بنای خویشتن در محبت، پس این را می‌گوییم و در خداوند شهادت می‌دهم که شما دیگر رفتار ننمایید چنان که امتهای در بطالت ذهن خود رفتار می‌نمایند، که در عقل خود تاریک هستند و از حیات خدا محروم به سبب جهالتی که به جهت سخت دلی ایشان در ایشان است و بی‌فکر شده خود را به فجور تسلیم کرده‌اند تا هر قسم ناپاکی را به حرص به عمل آورند، لیکن شما مسیح را به این طور نیاموخته‌اید، هر گاه او را شنیده‌اید و در او تعلیم یافته‌اید به طوری که راستی در عیسی است، تا آن که شما از جهت رفتار گذشته خود انسانیت کهنه را که از شهوات فریبده فاسد می‌گردد از خود بیرون کنید و به روح ذهن خود تازه شوید و انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است بیوشید لهذا دروغ را ترک کرده هر کس با همسایه خود راست بگوید زیرا که ما اعضای یکدیگریم خشم بگیرید و گناه موزید خورشید بر غیظ شما غروب نکند ابلیس را مجال ندهید، دزد دیگر دزدی نکند بلکه به دستهای خود کار نیکو کرده و زحمت بکشد تا بتواند نیازمندی را چیزی دهد،

و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنان که خدا در مسیح شما را هم آموخته است. (رساله پولس رسول به افسسیان ۴: ۱ - ۳۲)

خداوند، نجات خویش را از طریق عهد خود برای ما به ارمغان می‌آورد.

این عهد، عهدی است با مردم، عهدی که در مسیح تحقق یافت، مسیحی که یکپارچه متجسم شد. مسیح برای همه مُرد بنابراین همگان را به وحدت و انسجام می‌خواند «تا همه یک باشند». به این ترتیب بازگشت به سوی خدا و نزدیک شدن به او بدون بازگشت دائمی بسوی مردمی که این عهد با ایشان بسته می‌شد

ناممکن است. ما نمی‌توانیم محبت خدا را لمس کنیم مگر این که در محبت او به دیگران، سهمیم شویم.

در اینجا یک انتخاب بنیادین، انتخابی است میان وحدت در مسیح و انسجام در نجات، آن گونه که خدا اراده نموده است و از سوی دیگر همبستگی تباهی و مرگ روحانی است. شخصی که می‌خواهد تنها به خاطر خود نجات یابد، بدون اندیشه برای برپایی خانواده الهی و بدون توجه به خیریت عمومی، آشکارا در جهت انسجام منبّت جمعی و همان هلاکت جمعی حرکت می‌کند.

بنابراین اگر ما می‌خواهیم انتخاب بنیادین خود را در مسیحی که برای همه ما مُرد انسجام بخشیم، باید به حکم ضرورتی باطنی، انتخاب بنیادین خود را در محبت برادرانه و مسئولیت‌پذیری انسجام بخشیم.

پس برای امتحان ضمیر خود، ما باید اولین حکم، یعنی محبت کردن خدا با تمامی دل را در پرتو حکم بزرگ بررسی کنیم، «یکدیگر را محبت کنید چنان که من شما را محبت کردم» (یو ۱۵:۱۲).

ما از خود درباره روابط مردم و اجتماع سؤال می‌کنیم:

آیا آنها روابط سالمی هستند؟... آیا ما قدر آنها را می‌دانیم؟... آیا به

اشخاص احترام می‌گذاریم؟.....

آیا تنها کسانی را که قادرند محبت ما را جبران کنند محبت می‌کنیم، یا

آن گونه که خداوند فرمود کسانی را که قادر به جبران محبت ما نیستند؟

اما تنها کافی نیست که روابط فرد با فرد یا رابطه من - تو - ما را هر چند

مهم و پر ارزش باشند سالم در نظر بگیریم. بلکه باید مسئولیت خود را در قبال

خیریت مشترک، سهم خود در زندگی اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را

نیز مورد توجه قرار دهیم. آیا ما نسبت به مأموریت بزرگ برقراری صلح و آرامش

در میان مسیحیان وفادار هستیم؟ آیا از تمامی عطایایی که خدا به ما بخشیده

است در جهت خیریت جمعی استفاده می‌کنیم؟ تنها انجام اعمال شورانه نیست

که به گناه تعبیر می‌شود بلکه سرکوب و دفن استعدادهای فردی خود نیز به جای استفاده مثبت از آنها برای خیریت مشترک نیز عملی ناپسندیده است.

خادم بی وفا در انجیل به سوء استفاده از استعداد خود متهم نشده است بلکه به عدم استفاده آگاهانه از استعداد خود محکوم شده است.

مسیح نیامده است تا خانواده‌ای کوچک برای خود دست و پا کند بلکه خانواده‌ای عظیم و الهی، او هر کسی که به صورت و شباهت خدا آفریده شده است، دعوت می‌کند.

بنابراین اعتراف ما یا همان ستایش رحمت خدا باید ما را به سوی مسیری به مراتب پرثمرتر و تعهدی عمیق‌تر نسبت به خیریت مشترک سوق دهد، یعنی به سوی بنا کردن بدن مسیح. این امر، مسئولیت احیا شده ما را در زندگی اجتماعی و شخصی می‌طلبد. ما در مسیر رشد عدالت، صلح و صمیمیت در ارتباطات اجتماعی و تشخیص الویت‌های سیاسی چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟

خداوندا، تو را شکر می‌گویم

که به ما اجازه دادی تا پدرت را «پدر ما» خطاب نمایم.

تو را شکر می‌گویم که مرا در خانواده جهانی‌ات می‌پذیری

به همراه مریم، مادرت و تمام مقدسین.

خداوندا از من فردی بساز همواره شکرگزار

تا عضوی باشم تندرست، سخاوتمند و یاری‌دهنده خانواده عظیمت

و بدین سان جبران کنم همه قصورات گذشته‌ام را. آمین

## ۹- حقیقتی که ما را آزاد می‌سازد

«پس عیسی به یهودیانی که بدو ایمان آوردند گفت: اگر شما در کلام من بمانید

فی الحقیقه شاگرد من خواهید شد و حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد

کرد، بدو جواب دادند که اولاد ابراهیم می‌باشیم و هرگز هیچ کس را غلام نبوده‌ایم پس

چگونه می‌گوییم که آزاد خواهیم شد، عیسی در جواب ایشان گفت: آمین آمین به شما می‌گویم هر که گناه کند غلام گناه است و غلام همیشه در خانه نمی‌ماند اما پسر همیشه می‌ماند، پس اگر پسر شما را آزاد کند در حقیقت آزاد خواهید بود» (یوحنا ۸: ۳۱ تا ۳۶)

اگر گوییم که گناه نداریم خود را گمراه می‌کنیم و راستی در ما نیست، اگر به گناهان خود اعتراف کنیم او آمین و عادل است تا گناهان ما را بپارزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد، اگر گوییم که گناه نکرده‌ایم او را دروغ گو می‌شماریم و کلام او در ما نیست، ای فرزندان من این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید و اگر کسی گناهی کند شفیع داریم نزد پدر یعنی عیسی مسیح عادل، اوست کفاره به جهت گناهان ما و نه گناهان ما فقط، بلکه به جهت تمام جهان نیز». (۱ یوحنا ۱: ۸ تا ۲: ۲)

بزرگترین حقیقت آزادی بخش این است: «خدا محبت است». اما این حقیقت تنها زمانی می‌تواند آزادی بخش باشد که به وسیله انسانهایی پر از محبت، که پیوسته در جستجوی دریافت حقیقت به معنای الای آن هستند و آن را به شکلی والاتر به مورد اجرا می‌گذارند تجربه شود.

بخشی از حقیقت کامل این است که محبت الهی هنوز با موانعی در خودخواهی و غرور ما مواجه می‌شود. اما این امر نیز جزئی از حقیقت است که خدا می‌خواهد با مبدل ساختن ما به شریکان پر شور محبت خود، ما را به آزادی کامل برساند. محبت او پر از رحمت و در عین حال متعال است.

هنگامی که من گناهان خویش را نزد یک کشیش یا برادری در مسیح اعتراف می‌کنم در حقیقت ایمان خود را به خدایی که محبت، رحمت، شفا دهنده، آمرزنده و آشتی طلب است اعلام می‌کنم، یعنی خدای آرامش و صلح. بدین ترتیب مجدداً خود را از سرنو به این خدای پُر از محبت و عادل و نجات دهنده تسلیم می‌نمایم. او همان حقیقت نجات دهنده است. اما بخشی از حقیقت حاوی این امر است که من یک گناهکار هستم.

پس من گناهانم را در حضور خدای رحیم و قدوس اعتراف می‌کنم. عمل

اعتراف در حضور کشیش یا یک برادر آمین به معنای ابراز صداقت و تواضع و نمایان ساختن ایمان خود در وحدت نجات بخش است. آزادی اعتراف به گناهان در حضور برادران و خواهرانم یک آزادی خدادادی است، آزادی‌ای در مسیر کسب کمال حقیقت. اگر از پذیرش این حقیقت سر باز زنم، یا از بیان آن امتناع ورزم هرگز نخواهم توانست چه با گفتار و چه با اعمال خویش در زندگی خود اعلاممگر این حقیقت باشم که خدا محبت و رحمت و عدالت نجات بخش است. چندین راز آموزش وجود دارند که بر تارک تمامی این رازها شخص مسیح قرار دارد که راز بزرگ آموزش شفا بخش و حقیقت رهایی بخش است. او کسی است که هر گاه جهت اعترافی فروتنانه نزدش برویم، شفیع ما در حضور پدر است. کلیسا، در او می‌تواند نشانه مؤثر و مشهود آشتی و آموزش شفا بخش خوانده شود. این معنایی جز این ندارد که هر یک از ما دعوت شده است تا شخصاً به یک راز بدل شود، رازی که عیسی مسیح را ملموس می‌سازد، رازی که در برگیرنده آموزش شفا بخش است.

تنها با در نظر گرفتن مطلب فوق است که رازهای دیگر به هر شکلی می‌توانند مدعی مأموریت کلیسا در راز آموزش شفا بخش مسیح باشند.

تعمید در بزرگسالی، پذیرش و اعلام آمادگی جهت توبه کامل است. آنان که با غمی ژرف به خاطر گناهانشان تعمید می‌گیرند و کاملاً به سوی مسیح باز می‌گردند، از گناهان خویش آزاد شده‌اند. آنها به اعتراف خاصی نیاز ندارند چرا که هنوز به عنوان اعضای جدید کلیسا مرتکب گناه نشده‌اند. اما پذیرش راز تعمید، خود اعتراف نیاز به رهایی است، نیاز و اراده‌ای به جهت تقبل یک توبه کامل در مسیح.

در اینجا به راز قربانی مقدس می‌رسیم. هر بار که این مراسم را برگزار می‌کنیم و از خداوند عیسی مسیح به خاطر خون عهد جدیدی که برای آموزش ما ریخت قدردانی می‌کنیم، در حقیقت ایمان خود را نسبت به او اعلام می‌نماییم و

گناهان خویش را اقرار می‌کنیم و همچنین نیاز خود به تطهیر بیشتر و آمرزش شفا بخش را، اذعان می‌داریم.

اشکال متنوعی از مراسم رازگونه وجود دارند. در دوران کهن «شبهای قبل از اعیاد» موجود بودند که برای اعیاد بزرگ آماده می‌شدند. آنها را در پرتوراز قربانی مقدس مورد توجه قرار می‌دادند، که به شرکت گسترده تر جماعت در این راز «به منظور آمرزش گناهان» منتهی می‌شد.

«مراسم روزه» نیز وجود داشت که با برگزاری مراسم جمعی آمرزش شفا بخش و ستایش رحمت خدا خاتمه می‌یافت. در این شرایط، تمامی کلیسا با رهبری خادمین مسئول، برای آمرزش و نیز فیض دگرگون کننده‌ای که زندگی همه مومنین را بدل به یک ستایش و شکرگزاری حقیقی نسبت به خدا می‌نمود دعا می‌کردند. امروزه همه ما با اعتراف فردی و مراسم جمعی آشنا هستیم و می‌دانیم که آنها مکمل یکدیگرند. پس به این ترتیب باید تجربه رازگونه آمرزش شفا بخش را هر از چندگاهی در هر دو شکل این قالبها جستجو کنیم. اعتراف فردی، رویارویی خاصی است با مسیح و برانگیزاننده گفتگویی کاملاً شخصی با کشیش. ما باید اعتراف فردی را امری ضروری بدانیم تا هر چه بیشتر و آگاهانه تر بدانیم که خداوند هر یک از ما را به نام منحصر به فردمان می‌خواند تا او را ملاقات کنیم و در یک دوستی تازه شده در اطمینان به او، ساکن شویم. اما حتی پس از این نیز باید به خوبی دریابیم که این دعوت یک دعوت جمعی است برای وحدت، انسجام و مسئولیت پذیری بسیار عظیم تر.

برگزاری جمعی راز آشتی و آمرزش شفا بخش، ما را چه به شکل فردی و چه به شکل گروهی از این امر آگاه می‌سازد که هر گناهی یک بُعد مشخص اجتماعی دارد. ما با هم به یک جمع و مسئولیت مشترک تازه، تبدیل می‌شویم. برگزاری مراسم جمعی آمرزش شفا بخش می‌تواند چشمان ما را به گناهان خویش در حیطه مسائل اجتماعی و بُعد اجتماعی هر یک از این گناهان باز نماید، در نتیجه ما و

اجتماع را به عنوان یک کل، به مسئولیت مشترک عظیم تر و انسجام در تعهدی امین تر به رسالت صلح که همه مسیحیان دارا هستند رهنمون می‌گرداند.

این امر نه تنها ما را برای پذیرش پرثمرتر راز توبه در شکل اعتراف فردی آن آماده می‌سازد، بلکه اعتراف فردی هنگامی که ما تلاشهای خود را برای توبه و ستایش خدا در تعهدی مشترک به هم می‌پیوندیم، به واقعیت و ثمره‌ای غنی تر بدل خواهد شد. مراسم جمعی در جای خود ارزشهای خود را داراست، چرا که می‌تواند برای بسیاری بدل به تجربه‌ای عمیق در مسیر یک تحول کلی گردد، تحولی به سوی خداوند و انسانهای وارد شده در این عهد.

تحت شرایطی خاص، مراسم جمعی غالباً منتهی به دریافت آمرزشی روشن و آشکار می‌گردد. در چنین وضعیتی می‌توان ساختار رازگونه آن را کاملاً تشخیص داد. در این مسائل مهم، نظم و انضباط کلیسایی باید کاملاً رعایت گردد. کلیسا برگزاری مراسم جمعی را در هر کجا تشویق می‌کند، اما گاهی اوقات نیز، اعلام آمرزش قطعی شخص ممنوع شمرده می‌شود.

ما نباید فراموش کنیم که تا قرون ۱۲ و ۱۳، روش طبیعی دریافت آمرزش، دعا و استغاثه‌ای پُر حرارت بود که در پی آن، این دعا به مرحله شکرگزاری وارد می‌شد که دال بر داشتن زندگی‌ای برای ستایش واقعی رحمت خداوند بود. اگر تمامی جماعت به دعایی پُر حرارت با قلبی شکسته و افتاده و توکلی عظیم دست بزنند، به این ترتیب دیگر هیچ شکی در مورد کلمات یعقوب در رساله اش در باب ۵ آیه ۱۶ درباره «دعای مرد عادل و تأثیر قدرت آن» نمی‌توانیم به خود راه دهیم. آنچه مهم است این است که هدف خدا از متبدل ساختن، شفا و ساختن رسولان صلح از ما، به چیزی ملموس بدل می‌شود و در زندگی تمامی آنانی که در این مراسم شرکت می‌کنند تجلی خواهد یافت.

خداوندا سپاسگزارت هستم

زیرا که حقیقت کاملی محبت بخشاینده ات را

## بر ما آشکار ساختی

و در پرتو آن، ما را از زشتی‌های گناه آگاه نمودی  
همان دم ما را سوی حیاتی بس مقدس خواندی.  
خداوندا، شهادتی به من ببخش تا همچون نادمی مقدس زندگی کنم  
و این حقیقت را تماماً بپذیرم  
که کماکان محتاج تحول هستم، پیوسته.  
پس آزادم گردان محض حقیقت خود و از طریق حقیقت خود. آمین

## ۱۰ - شکرگزاری تنها راه حل

«و در آن روز خواهی گفت که ای خداوند تو را حمد می‌گویم زیرا به من غضبناک بودی  
اما غضبت برگردانیده شد مرا تسلی می‌دهی اینک خدا نجات من است و بر او توکل  
نموده نخواهم ترسید، زیرا یاه بیهو قوت و تسبیح من است و نجات من گردیده است  
بنابراین با شادمانی از چشمه‌های نجات آب خواهید کشید و در آن روز خواهید گفت  
خداوند را حمد گوئید و نام او را متعال بخوانید و اعمال او را در میان قومها اعلام کنید  
و ذکر نمایید که اسم او متعال می‌باشد ای سکنه صهیون صدا را برفراشته بسرای، زیرا  
قدوس اسرائیل در میان تو عظیم است». (اشعیا ۱۲: ۱-۶)

در انجیل لوقای قدیس که به عنوان طیبب، درباره شفا و آمرزش شفا بخش،  
دیدگاه خاصی داشت هیچ داستان شفا و آمرزشی بدون شکرگزاری پایان  
نمی‌گیرد. آنجا که شکرگزاری هست، عطایای الهی نیز جاری می‌شوند.

در آیین نیایش تازه مراسم جمعی راز آشتی، سنت‌های کهن مجدداً  
سر برمی‌آورند و در این بین جایگاه شکرگزاری بسیار حائز اهمیت است. در  
اعتراف شخصی، باید بیان خودجوش این ستایش و شکرگزاری هم از سوی  
اعتراف گیرنده و هم به شکلی خاص از سوی شخص نادم جاری شود.

این یک سنت دیرپاست که در آن اعتراف گیرنده، راه حلی را پیشنهاد

می‌کند. ما معمولاً آن را توبه (penance) می‌نامیم. اما عملکرد واقعی توبه در  
مفهوم تنبیه و تحمل رنج به عنوان نشانی از شکرگزاری نیست، بلکه به معنای  
آمادگی برای برداشته شدن هر مانعی در مسیر ما به سوی خدا و پذیرش هر نوع  
قربانی لازم جهت بازگشت به آغوش خدا و فرمان فراگیر محبت و عدالت اوست.  
هیچ توبه‌ای اگر انگیزه اصلی آن قدردانی و سپاس نباشد، تأثیرگذار نخواهد  
بود. توبه‌های ما باید بسیار خلاق تر باشند. اعتراف گیرنده و توبه کننده چنانچه  
ذهن و قلب خود را در ستایش مهربانی و شفقت خدا پیوند دهند، خلاق ترین نوع  
توبه را خواهند یافت. به این ترتیب ما توبه‌هایی خواهیم یافت که زبان گناهانمان  
را جبران می‌کنند. پس از این است که با سخاوت و شفقت بیشتری خود را درگیر  
صلح و عدالت در دنیای کوچک خود و سپس دنیای بزرگ خواهیم نمود.

در وضعیت‌های غیر معمولی که شخص پس از سالها دوری و بیگانگی از  
خدا به سوی او بازگشت می‌کند، من شخصاً از ارائه پیشنهادی خاص برای  
توبه کردن خودداری می‌کنم. در عوض، پیشنهاد می‌کنم که شخص توبه کار، در  
طول یک مدت زمان مشخص، هر روز نیت خود را، برای قدردانی و سپاس از  
نیکویی‌های خدا و آمرزش شفا بخش او قرار دهد و در پایان روز به این جمع بندی  
بپردازد که آیا افکار، سخنان و اعمال او در هماهنگی با انگیزه اصلی او که  
همان شکرگزاری است بوده‌اند یا خیر. بسیاری از این اشخاص در نامه‌هایشان  
و یا در گفتگوهای شخصی خود با من، این نظر را ابراز نموده‌اند که در آغاز  
گمان می‌بردند «این روند در مجموع، اعترافی ساده به نظر می‌رسد»، اما پس  
از چند هفته دریافته‌اند که چه تداوم و استقامتی را می‌طلبد و در عین حال چه  
پاداشی در آن نهفته است.

به این طریق است که راز آشتی ما را مستقیماً به منشأ و سرچشمه خود یعنی  
راز سپاسگذاری هدایت می‌کند. در اینجا است که ما به تجربه درمی‌یابیم، خداوند  
چه اندازه نسبت به آنانی که او را ستایش می‌کنند و مصمم به شکرگزاری او،

همیشه و در همه جا هستند، نظر لطف دارد. رسم توبه در آغاز مراسم عشاء باید همان احساس شکرگذاری را در ما بیدار سازد که در برپایی راز آشتی آن را تجربه کرده ایم و باید ما را آماده سازد تا هر چه مصمم تر مایل به شرکت در این راز مقدس با هدف ستایش رحمت خداوند باشیم. به این ترتیب ما می آموزیم که چگونه تمامی زندگی خود را در سپاسی دائمی و از طریق آموزش شفا بخش، شفقت و وقف خاضعانه در جهت توسعه ملکوت خدا از پیش بریم.

سپاسگزاری هستم ای خداوند، به خاطر این عطیه که نامش خاطره است خاطره ای که روا می دارد تا تمامی نیکویی هایت را به یاد آورم آنچه به من بخشیدی و آنچه برایم به انجام رساندی سپاسگزاری هستم برای راز شکرگزاری، یادگار مرگ و قیام تو و اطمینانی دیگر بر وعده هایت.

تو در این یادگاری، تجربه قدرت رهایی بخش و نجات دهنده را به ما می آموزی هر گاه سپاسگزاری بوده ام، از مصیبت گناه پرهیز نموده ام. اکنون نیز شکر گزار تو هستم که در راز آموزش شفا بخش با مهربانی به یاد من می آوری که شکرگزاری، تنها راه درمان است. آمین

## ۱۱- اطمینان الهی

«باز عیسی به ایشان گفت سلام بر شما باد، چنان که پدر مرا فرستاد من نیز شما را می فرستم و چون این را گفت دمید و به ایشان گفت روح القدس را بیاید گناهان آنانی را که آموختید برای ایشان آموخته شد و آنانی را که بستید بسته شد.» (یوحنا ۲۰: ۲۱-۲۳)

«هر آینه به شما می گویم آنچه بر زمین ببندید در آسمان بسته شده باشد و آنچه بر زمین گشایید در آسمان گشوده شده باشد» (متی ۱۸: ۱۸)

بخشی از خبر خوشی که عیسی به ارمغان آورد این بیان آشکار بود که او قدرت آموزش گناهان را داشت، درست همان گونه که قدرت شفا بخشیدن

داشت. «کدام سهل تر است؟ مفلوج را گفتن، گناهان تو آموخته شد یا گفتن برخیز و بستر خود را برداشته بخرام؟ لیکن تا بدانید که پسرانسان را استطاعت آموختن گناهان بر روی زمین هست مفلوج را گفت: تو را می گویم برخیز و بستر خود را برداشته به خانه خود برو» (مرقس ۲: ۹-۱۰)

عیسی، شاگردان خود را جهت اعلام مژده و شفای مردم فرستاد. در این مسیر بخشی حیاتی از مأموریت آنان، بخشش گناهان در نام عیسی بود، گناهان تمامی آنانی که در فروتنی به گناهان خود اقرار و از آنها توبه نموده بودند. اما در عین حال کلیسا باید در نام عیسی از آموزش گناهان آنانی که گناهان دیگران را نسبت به خود نمی بخشند خودداری نماید.

آموزش، دعای کلیسا برای بخشش الهی است، دعایی که به دلیل ایمان و توکل کلیسا، خشنودی خدا را کسب می نماید و دعایی است در نام عیسی، در ستایش پدری که به واسطه مرگ و قیام عیسی، جهان و مردم را با او آشتی می دهد. در این دعا خواسته می شود تا خداوند از طریق قدرت روح القدس، ما را از گناهانمان پاک سازد و قلبی تازه و روحی تازه که روح تقدس است در ما بیافریند.

هر راز مقدسی، به شکلی منحصر به فرد، ملاقاتی است رودرو با عیسی. در جریان آموزش که از طریق خدمت کلیسا صورت می گیرد، مسیح، شخصاً به ما اطمینان می بخشد که گناهانمان آموخته می شوند. اما این فقط به معنای بخشوده شدن گناه نیست بلکه اطمینانی تازه است بر پایه دوستی صمیمانه و ماندگار با شخص عیسی.

آموختن یا بخشیدن دیگران شادترین عملی است که یک اعتراف گیرنده می تواند انجام دهد.

شادی قلبی می تواند ارتباط زنده ای بین او و اعتراف کننده به وجود آورد. این عمل اعلام مژده و ستایش رحمت خدای قادر و رحیم است. به این ترتیب او

نیز با شکرگزاری به خاطر می‌آورد که به اندازه شخص اعتراف‌کننده نیازمند بخشش الهی است.

ما هرگز نخواهیم توانست تا به اندازه کافی خدا را به خاطر بخشش و شفای الهی و نیز به خاطر نشانه آشکاری که به ما می‌دهد و نیز کلام پر از اطمینان او شکر گوئیم.

در این راز مقدس این اعتماد به ما دست می‌دهد که قدرت روح القدس برای پاک ساختن ما از گناهانمان و شفای ضعفهایمان و تقدیس ما در حال کار است.

خداوندا، از تو سپاسگزارم

برای این راز مقدس شفا و آزادی، برای این هدیه آسمانی

و برای این که اطمینانی بس روشن به ما بخشیدی

اطمینان از بخشش تو و صبوری ماندگار

خداوندا می‌خواهم همواره سپاسگزارت باشم، در تمامی لحظات زندگی ام

و از این پس به طریقی که تو را خشنود سازد

آماده‌ام تا این بخشش را نثار تمامی آنانی که مرا رنجانده اند بنمایم.

مرا یاری ده تا این هدف را جامه عمل بپوشانم. آمین

## بخش دوم

### مراسم اعتراف فردی

الف. بازگشت به سوی مسیح:

ای خداوند،

در بی بند و باری خویش، آن گونه که باید به تو توجه ننموده‌ام؛

و به آواز تو گوش نسپردم.

و بدان سان رفتار نمودم که گویی دوستی‌ات را به فراموشی سپرده‌ام

و این که مرا به دوستی‌ای صمیمانه‌تر با خود خوانده‌ای.

پس در حقیقتی که مرا آزاد می‌سازد گام بر نمی‌داشتم.

لیکن تو هرگز مرا از یاد نبردی.

می‌دانم که در قلب تو نوشته شده‌ام

و نیز در دستانت جای دارم.

می‌دانم که همیشه می‌توانم به حضورت آیم،

و بگیریم، همچون کودکی که برای مادر خود گریه سر می‌دهد.

می‌توانم نزد تو بازگردم و به تو توکل و اعتماد نمایم.

بله ای خداوند، اکنون به حضورت می‌آیم و فروتنانه دعا می‌کنم،

«خداوندا، من به گناه آلوده شده‌ام، مرا شفا ببخش».

به یاد می‌آورم که چگونه تو ای عیسی با گناهکاران برخورد می‌کردی،

و چه اندازه صبور بودی با شاگردانت،

پطرس و دیگران،

و چگونه از پطرس، پس از آن همه بحرانها و افتادنها پرسیدی،



«آیا مرا بیشتر از اینها محبت می‌نمایی؟»  
 همین‌گونه از من نیز اکنون می‌پرسی و پاسخ من این است،  
 «آری، با تمامی وجود می‌خواهم تو را بیش از هر چیز در این دنیا دوست بدارم».

لیکن گناه هنوز در من است، در بسیاری از زوایای وجودم،  
 و راه مرا در نزدیک شدن به تو سد می‌سازد.  
 پس نزدت فریاد بر می‌آورم:

«مرا آزاد ساز، آزادم ساز برای خود،  
 تا با تو، آزاد باشم تا دوست بدارم دوستانت را  
 و دوست بدارم همه آنانی را که تو ایشان را دوست می‌داری.»

و به یاد می‌آورم ای خداوند که چگونه حتی با گناهکارانی بزرگ برخورد می‌کردی  
 و ایشان را به دوستی با خود می‌خواندی.  
 تو به ایشان احساس منزلت و توکل را باز گرداندی.  
 تو از ایشان انسانهایی نو ساختی.  
 در جلیل و یهودیه و در میان امتهای نیز،  
 اعلام نمودی که زمان آن رسیده است  
 تا خدا به قوم خود قلبی تازه،  
 و طریقی نو در اندیشه و محبت ببخشد.  
 و به من نیز اطمینان می‌بخشی که همین جا و اینک  
 به من قلبی تازه، دلی احیا شده و روحی تازه می‌دهی.

پیش از آن که دست به دعا بردارم  
 اراده‌ات، بخشیدن این عطایا به من بود.

تو خداوند هستی و عطایات شایسته حرمت.  
 پس این عطایا را با تضرعی فروتنانه  
 و با شکرگزاری برای عطیه دعا،  
 و برای این نیاز، که بیدار ساختی در من حرمت می‌دارم.  
 پس ایمان و اعتقاد را در خود تقویت نما.  
 مرا تقویت کن تا تو را برتر از هر چیز دیگر دوست بدارم، که این خواست من  
 است،  
 و نیز هموعان خود را هر چه بیشتر محبت نمایم.  
 احیا ساز قلبم را، خلاقیتم را، رویاهایم را، اراده‌ام را و تمامیت هستی‌ام را،  
 تا از این پس هر چه برای من نمی‌خواهی و اراده نمی‌کنی، نخواهم.

بگذار روح القدس بر من فرود آید و چشمان و قلبم را بگشاید  
 تا بتوانم خود را در پرتو محبت تو بشناسم،  
 و بتوانم تشخیص دهم ناسپاسی‌هایم را و بیاموزم که قدردان باشم.  
 من نیز به همراه آن مرد کور در اریحا فریاد خواهم زد:

«عیسی، پسر داود. بر من رحم نما  
 عیسی، پسر ابراهیم، بر من رحم نما  
 عیسی، پسر اسحاق، بر من رحم نما  
 عیسی، پسر یعقوب، بر من رحم نما  
 عیسی، پسر مریم، بر من رحم نما  
 عیسی، پسر انسان، بر من رحم نما  
 عیسی، پسر خدای زنده، بر من رحم نما!  
 آنچه می‌خواهم بینایی چشمانم است.»

نه فقط دنیای اطرافم، بلکه گناهانم نیز بخشی از بینایی من را دزدیده اند. بیزارم از فریب خود و تمامی امیالم و از دروغ گو بودن بی ثباتی ها و لجام گسیختگی هایم. بیزارم از گناه فریب دادن دیگران به هر شکل و سهمیم شدن در این فریب که در دنیا است. خداوندا، تو قادر هستی. چشمانم را لمس نما و نیز قلبم را پس از خود فریبی بازخواهم ایستاد. و باز خواهم ایستاد از فریب دیگران و روا نخواهم داشت فریب ایشان را بر خود. بفرست روح حقیقت را تا مرا آشنا سازد با حقیقت کامل. بگذار روح القدست بر من آید و پاکم سازد، تا بتوانم بپذیرم حقیقت اندوهبار گناهانم را، و نیز بیشتر بشناسم، راستی تسلی دهنده آن محبت رهایی بخش را.

ب. آزمایش ضمیر یا وجدان

«ای پدر ما که در آسمانی»

پدر، چه امتیاز عجیبی، که به خاطر پسر یگانه ات من نیز می توانم تو را پدر خطاب کنم، «پدر، پدر گرامی!». چه عطیه شگفت انگیزی که همه با هم همچون یک خانواده و به همراه پسر محبوبیت می توانیم تو را «پدر ما» بنامیم. مرا ببخش پدر، که همواره و پیوسته، این نام را با تمامی محبت و اعتمادی که شایسته توسل اعلام نمودم! مرا ببخش به خاطر عدم اعتماد، تردیدهایم و پریشانی هایم، آن گاه که باید پیوسته در حضورت می زیستم.

پسر محبوبیت به ما آموخت، تو را که پدر همگان هستی در روح و راستی عبادت نمایم. اما هنگامی که می گویم، «پدر ما» متوجه می شوم که همیشه فرزندان تو را با تو و پسرت آن گونه که باید دوست نداشته ام. من بیش از اندازه به خودم می اندیشیدم. با وجود این می توانم در روح فریاد زده بگویم «آبا، پدر ما» زیرا این روح است که در ما دعا می کند. پس می توانم به شکل کامل تری در محبت تو نسبت به فرزندان ملحق شوم، و به غیرت عظیم تو در یک خانواده ساختن بشریت در نام پُر هیتت تو بیوندم. زمانی که در حضور تو و نیز در نام تو دعا می کنم، غالباً از درک کامل این نکته که «در آسمانی» غافل مانده ام و نیز از این موهبت که من مخلوق تو هستم ای قدوس یگانه و این که من گناهکاری بیش نیستم. اما با وجود این باید این همه را به یاد بیاورم و بیش از پیش به خاطر این فرصت که به من بخشیدی تا تو را «پدر» خطاب نمایم شکرگزار باشم و با پیوستن به تمامی مردم روی زمین تو را به عنوان پدر همه، احترام نمایم. پدر، فقدان فروتنی مرا بر من ببخش. هر بار در حضور تو در آسمان دعا می کنم، باید با غمی عمیق نسبت به گناهانم همراه باشد، پس باید متواضع گردم. آن گاه که قدوسیت تو را به یاد می آورم، در مقایسه با آن، هرگز نباید خود را از دیگران برتر بدانم. تو تنها می دانی که عطایای برترت را چه کسانی دریافت نموده اند و چه کسی بزرگترین گناهکاران است، آنانی که به ظاهر بزرگترین گناهکار هستند یا من که نشانه های بسیاری از محبت تو را دریافت نموده ام اما هنوز تمامی قلب و زندگی ام را به تو تقدیم نموده ام.

«نام تو مقدس باد»

تمامی وجود من باید در این سرود با مریم همراه شود «قدوس است نام او و

رحمت او نسل‌اً بعد از نسل». تمامی هستی من باید نام تو را جلال بخشد، همان گونه که تو با عدالت نجات بخش خود و با توجه خود به قومت و بار رحمت و شفقتت نام خود را جلال می‌بخشی. این اقبال بلند من است که نام تو را به دیگران بشناسانم، خصوصاً به آنان که ایشان را به من بخشیده‌ای. اما من پی‌درپی در اندیشه فخر و جلال خود و الویت‌های خود هستم تا این که به فکر مأموریت خود در جهت اعلام و شناساندن نام تو و عیسی باشم که تو او را فرستادی تا اوج نیکویی، محبت و رحمت تو را به جهان بشناساند.

من حتی آن گونه که شایسته بود به نام تو ای «پدر» توجه ننمودم و نیز به نام پسرت «عیسی»، نجات‌دهنده ما، شفا‌دهنده الهی، او که بود و هست و می‌آید. پس چگونه می‌توانم با حقانیت دعا نمایم که نام تو متعال گردد، ستایش شود و از سوی جهانیان شناخته شود؟

پدر، مرا ببخش که با طلبیدن الویت‌های خود یا داشتن یک زندگی آشفته آن گونه که باید تو را حرمت نمی‌دارم و بدین سان از شناختنت باز می‌مانم و نمی‌توانم بی‌همتایی تو و نام شگفت‌انگیزت را دریابم، نامی که بواسطه آن مرا به سوی خود خواندی. پدر مرا ببخش که برخی از همقطاران خود را به همان شکل منحصر به فرد خود محترم نشمرده و نپذیرفته‌ام و مرا ببخش که نکوشیده‌ام تا آن نام بی‌همتایی که بواسطه آن، من و ایشان را خواندی تا با یکدیگر باشیم، بشناسم.

«ملکوت تو بیاید»

پدر، من مرتباً برای آمدن ملکوت تو دعا می‌کنم اما گاهی اوقات به دنیای کوچک خود بیشتر توجه دارم و اعتراف می‌کنم که کمتر به سخنان پسرت درباره ملکوت تو و آن گونه که او آن را باز شناساند توجه نموده‌ام. بنابراین دعای من که در آن می‌گویم «ملکوت تو بیاید» آن قدرها صمیمانه و صادقانه نیست. من نمی‌توانم دعا کنم که سهمی در این ملکوت داشته باشم، در حالی که وظیفه اصلی

خود را در شناختن و شناساندن ملکوت، آن گونه که شایسته است به جا نیاورده‌ام.

بله من برخی از جنبه‌های بسیار مهم آن را می‌دانم اما بر طبق آنها عمل نمی‌کنم. من می‌دانم که ملکوت تو چون دانه خردلی است و نیازمند رشد و باروری است، تلاشی پیوسته به همراه آزاد اندیشی، اما بسیاری اوقات مایل به فراگیری و تحولی کاملتر نیستم. غالباً فاقد آن شکیبایی لازم در مورد خود و دیگران هستم. گاهی اوقات حتی اجازه نمی‌دهم که دیگران نیز بر حسب میزان فیضی که به ایشان بخشیده‌ای عمل کنند.

معمولاً از آنان می‌خواهم تا به جای قدم دوم، قدم سوم را بردارند و برای خود نیز گامی را که باید برمی‌داشتم در نظر نگرفته‌ام. من می‌دانم که ملکوت تو، سلطنتی است از عطایای پُر فیض تو و بر حسب قانون فیض تو. از آنجا که آن سپاس مقتضی را نسبت به عطایایت ندارم، نه قادر و نه مایل هستم تا نیازهای هموعان خود را رفع نمایم و نه می‌توانم عطایای تو را دریابم.

می‌دانم که ملکوت تو ملکوت عدالت و صلح است، اما غرور و خودخواهی مانع از آن می‌شود که به ابزاری برای صلح، اتحاد، همبستگی و عدالت بدل شوم.

می‌دانم که حکمفرمایی تو، مهربانی و نیکویی و خیرخواهی است و با وجود این به خود اجازه می‌دهم که با دیگران مهربان نباشم و در عین حال دعا می‌کنم: «ملکوت تو بیاید». خداوندا، مرا ببخش! ای خداوند، بر من رحم فرما!

«اراده تو چنان که در آسمان است بر زمین نیز کرده شود»

پدر، تو پسر محبوبیت عیسی را که با کلام، با زندگی و مرگ خویش بر روی زمین، نشان داد که اراده تو چگونه در آسمان اجرا می‌شود، فرستادی. با وجود این من وقت کافی صرف نکردم تا او را بهتر بشناسم و به این وسیله اراده پر محبت تو را باز شناسم. پدر، مرا ببخش.

نام تو محبت است، و عیسی طیف وسیع این محبت را بر روی زمین آشکار نمود. اما من با تمام وجود و پیوسته عطیه روح را از او نطلبیدم تا بدین وسیله بتوانم محبت حقیقی را درک نموده و بازشناسم تا اجازه ندهم جهان مرا با عشق‌های جعلی و دروغین فریب دهد.

تو در مسیح مرا خواندی تا صورت حقیقی تو شوم، نوعی راز برای کمک به دیگران تا سیمای حقیقی محبت نجات یافته و نجات دهنده را باز شناسند. لیکن من جلال تو را بر روی زمین کم رنگ نمودم زیرا با قصورات خویش موجب شدم تا بسیاری از مردم ندانند که اراده تو در آسمان چگونه اجرا می‌شود و چگونه می‌تواند بر زمین نیز به انجام رسد. پدر، مرا ببخش.

«نان روزانه ما را امروز به ما بده»

پدر، پسر محبوب تو عیسی به ما یاد داد تا با نامیدن «آبا، ای پدر» شادی کنیم و در دعا‌های خویش بدانیم که تو یگانه قدوس هستی و برای جلال دادن نام تو و برای ملکوت و اراده قدوست اهمیت قائل شویم. اما پیش از شادی کردن در نام تو در اتحاد با جماعت مؤمنین، بیشتر در دعا‌های خود طلب نان روزانه را می‌کنم که در حقیقت یعنی «نان روزانه من». غالباً از یاد می‌برم که به همان اندازه برای نان، سلامتی، افتخار، کمال و عدالتی که همه مردم باید از آن برخوردار باشند، دعا کنم. همچنین از یاد می‌برم که استعدادهایی که تو به من بخشی را با دیگران قسمت کنم تا همه با هم بتوانیم در خوان مشترک تو شادی نماییم.

آن‌گاه که برای نان روزانه دعا می‌کنم، تشخیص نمی‌دهم که حقیقتاً سفره‌ای برای من آماده کرده‌ای، سفره خود را، سفره کلام خود را، سفره بدن و خون مسیح، که در آن همگی ما به خواهران و برادرانی تنی تبدیل شده و متعهد می‌شویم تا آنجا که بتوانیم هر چه داریم با هم قسمت کنیم، همان‌گونه که عیسی زندگی و خون خود را با ما قسمت نمود.

پدر، مرا به خاطر افراط در مسائل مادی این زندگی در جهت کسب لذت برای خود ببخش، چرا که نسبت به این حقیقت بی‌توجه هستم که همه اینها عطیایی از سوی تو هستند، ای پدر همه ما و ای پدر همه چیزهای نیکو! حتی اگر هم در این موارد زیاده روی نکرده‌ام حداقل در کاربرد استعدادهایی که تو در جهت متقاعد ساختن انسانها به من بخشیدی کوتاهی ورزیده‌ام و این کوتاهی را نسبت به هموطنان، دوستان و هم‌نوعانم نموده‌ام و نکوشیده‌ام تا آنان را به سمت یک زندگی ساده‌تر جذب نمایم و نکوشیده‌ام تا آنان را از اتلاف انرژی و منابع این کره خاکی در جهت کمک به ملل فقیر و نسل‌های آینده بر حذر بدارم. پس اعتراف می‌کنم که این دعای «نان کفاف ما را امروز به ما بده»، همیشه آن چیزی نبوده است که عیسی در دعا به ما آموخته است و حقیقتاً «پرستشی در روح و راستی» نبوده است.

این که من در دعای خود ابعاد سفره کلامت و بدن و خون مسیح را همیشه در نظر داشته‌ام کاملاً درست است، اما باید اعتراف کنم که با الویت نبخشیدن به آن، در همه لحظات، در حقیقت نسبت به تو گناه ورزیده‌ام و به این ترتیب نشان داده‌ام آن‌گونه که باید سپاسگزارت نبوده‌ام. اعتراف می‌کنم که بخش کوچکی از این نان و نیز منابع انسانی و استعداد‌های خود را وقف عدالت اجتماعی نموده‌ام، اما در عین حال به اندازه کافی اهمیت نداده‌ام که آیا مردم همان بخش کوچک را هم به همراه عدالت اجتماعی و عطیای روح، شناخت کلام تو و مشارکت در ملکوت دریافت داشته‌اند یا خیر.

«گناهان ما را ببخش زیرا که ما نیز مدیونان خود را می‌بخشیم»

پدر، من هرگز جرأت نمی‌کنم به تو بگویم، پدر «گناهان مرا ببخش زیرا که من نیز گنا‌هانی را که دیگران نسبت به من مرتکب شده‌اند می‌بخشم»، چرا که بخشش من ناقص است، و همچون بخشش تو کامل نیست. گاهی برای من آزاد

ساختن خود از رنجش‌هایم به کشمکش سخت و طولانی بدل می‌شود. پس اگر دعا می‌کنم که «ما را ببخش» می‌دانم با مسیح که بر روی صلیب عمل بخشش را انجام داد، دعا می‌کنم.

من به همراه مقدسین در دعا از تو می‌طلبم که مرا با بخشش شفا بخش خود همراه سازی، با بخشش عیسی، و به طریقی که مقدسین تو می‌بخشیدند. در همان حال که برای آموزش دعا می‌کنم، اشتیاق خود را صمیمانه و عمیقاً نسبت به تو ابراز می‌کنم، اشتیاقی را که مایل است در این حرکت، همانند عیسی باشد و همانند تو که پدر بخشاینده شفا دهنده ما هستی.

دعایم را بپذیر و قول بده که این اشتیاق را هر روزه در من رشد دهی و وجود مرا به روی این فیض عظیم بگشایی.

با اندوه اعتراف می‌کنم که در هیاهوی تلخی موجود میان طبقات و گروه‌های اجتماعی و که پیوسته یکدیگر را متهم می‌کنند و در حقیقت خود را موجه می‌شمارند، من نیز آگاهانه یا نیمه آگاه خود را در طریقه‌های ایشان می‌یابم. اگر چه می‌دانم که از سوی تو به عنوان رسول صلح و آشتی دهنده فرستاده شده‌ام. پدر، مرا ببخش.

«و ما را در آزمایش میاور»

پدر، ما گناهکاران، دنیایی ساخته‌ایم که اساس آن بر وسوسه‌هاست؛ ما محیطی آلوده را ایجاد نموده‌ایم که پُر از وسوسه‌ها و فرومایگی‌هاست. ما دعا می‌کنیم که ما را از وسوسه‌ها حفظ کنی اما می‌دانیم که تو هرگز ما را وسوسه نمی‌کنی.

اما برخی اوقات فراموش می‌کنیم که دعای ما می‌تواند تنها زمانی صادقانه باشد که ما به شکلی فعالانه و در کنار مردمانی نیک سیرت اقدام به آفرینش انسانی‌تری بهتر، عدالتی بهتر و جهانی برادرانه‌تر نماییم و بدین ترتیب از

وسوسه‌هایی که از سوی خودخواهی جمعی و فردی ما، تعصبات ما، دشمنی‌ها و غرور ما به ما وارد می‌آیند پرهیز نماییم. پدر، ما را ببخش که این بهشتی را که روی زمین به ما بخشیدی به آشوب و بلوا و هرج و مرجی بدل کرده‌ایم که خود به ابزاری جهت وسوسه بدل شده‌است.

پدر، من می‌دانم که صداقت محبت و پرستش من نسبت به تو، باید به محک گذارده شود. اما چنانچه همواره نسبت به فیض تو امین باشم، قوی‌تر خواهم شد. این قصور من است که هنوز ضعیف هستم. اما با وجود این با اطمینان نزد تو می‌آیم و دعا می‌کنم تا تو مرا به آزمایش بگذاری، اما تا آنجا که قوت مقابله با آن را داشته باشم و فیض خاص تو در این امر یاری بخش من باشد تا با استواری بایستم و از بوته این آزمایش سر بلند بیرون آیم و این امتحان مایه رشد و پویایی من گردد. من باید در دعاها و اعمالم صادق باشم و با وفاداری بیشتری خود را هر روزه آماده کنم تا در برابر این آزمایشات سخت و مهم زندگی، با استواری بایستم.

اما چگونه می‌توانم دعا کنم تا در برابر وسوسه‌ها مقاومت نمایم، اگر دیگران را یاری نمی‌دهم، برای آنان دعا نمی‌کنم، آنها را تشویق نمی‌کنم و به ایشان قوت قلب نمی‌دهم تا این وسوسه‌های خطرناک را از زمین بزداينند، پدر، مرا ببخش.

«ما را از شریررهایی ده»

شریر، آن مزاحم همیشگی، تمامی نقشه‌های فریبکارانه‌اش را به وسیله ساختارهای قدرتی غیر سالم خود از قبیل شهوت، قدرت، حرص، امیال جنسی و نژادپرستی و غیره اعمال می‌کند. او از هر یک از ما در شرایطی که به این قدرت‌ها تسلیم می‌شویم، به خصومت‌ها تن می‌دهیم، دیگران را فریب می‌دهیم یا اجازه می‌دهیم دیگران ما را فریب دهند سوء استفاده می‌کند. پدر، من می‌دانم که

نمی توانم بدون توبه کردن به خاطر سهیم شدنم در گناهان دیگران در حضور تو دعا کنم. می دانم که دعای من به اندازه کافی صمیمانه نیست، هرگاه که سهم خود را در این گناهان نمی پذیرم. با وجود این، پدر، با اعتماد و توکل به سوی تو می آیم و دعا می کنم، «پدر، مرا شفا بده زیرا گناه ورزیده ام!»

«زیرا ملکوت و قوت و جلال تا ابدالآباد از آن توست»

پدر، تا به حال من در بسیاری اوقات برای نیازمندیهاییم نزد تو فریاد برآورده ام و هنگامی که تو مرا در رفع آنها کمک نمودی، فراموش کردم تا تو را به خاطر آنها جلال دهم. دعای من هنگامی که به پرستش و شکرگزاری ختم نشده، دعای درستی نبوده است. شرارت و دنیای شریر اطراف ما زمانی که در عبادت، توجه خود را به ملکوت و اقتدار تو معطوف بگردانیم و ورای هر چیز جلال تو را بطلبیم، بر ما هیچ قدرتی ندارند. مرا به خاطر تمامی اوقاتی که توجه خود را به جای اعمال شگفت انگیز و نمونه بودن برای قوم مقدس تو، به شرارت معطوف داشته ام ببخش. پدر، مرا ببخش.

پ - نیایش برای عطیه متبارک غم

پدر، گناهانم دردهای بسیاری را برای من و دیگران موجب شده است، و این درد، دردی متبارک نبوده است؛ بلکه تنبیهی برای خود و بی عدالتی نسبت به کسانی بوده است که من می بایست منشأ صلح و آرامی برای ایشان می بودم. پدر، عطیه متبارک غم را به من عطا نما. باشد تا روح القدس تو مرا یاری بخشد تا با غم متبارک مسیح آشنا گردم که تجلی رهایی بخش شفقت و مهربانی توست.

قلبی تازه به من عطا کن ای پدر،  
تا از غم سرشار شود  
به خاطر جراحی که گناهانم، به ملکوت تو و به نجات جهانیان وارد نموده است.  
مرا غمی عطا نما که موجب تولدی دیگر در من گردد  
و غیرتی نو، شفقتی عظیم تر،  
و آمادگی ای هر چه بهتر در مسیر بخشش و شفا.  
به من شهامت ببخش ای پدر، شهامتی برای رویارویی با گناهانم،  
حتی اگر مایه شرمساری من گردند.  
آن غمی را به من ببخش که مرا فروتن سازد  
آن گاه که در برابر کشیش به اقرار گناهان می نشینم و در تمامی زندگی ام.  
پدر، همه ما را از آن غم متبارکی که  
آکنده به ایمان و اعتماد در تو است، نصیب گردان! آمین.

ت - اعتراف

اگر زندگی شما در جهتی روشن و باصفا قرار دارد، اعترافتان ممکن است گاهی یک اعتراف بسیار کوتاه باشد که تنها دو یا سه موضوع را شامل گردد و در آنها به پیش روید یا حداقل تلاش زیادی بعمل آورید. آنچه که به مراتب بیش از گناهان فردی اهمیت دارد، داشتن تصویری صحیح از یک زندگی همواره پویا و در حال رشد در مسیح، یا حالتی تأسف بار از کاهلی و افسوس واپس گرایانه است.

در برخی وضعیت های مشخص، آن گاه که باید تصمیماتی بسیار مهم و خطیر در زندگی اتخاذ نمایید، یا زمانی که به روشنی نمی دانید چگونه با بعضی مشکلات روبرو شوید، ممکن است از کشیش خود بخواهید تا با شما گفتگو و ملاقاتی داشته باشد تا در پرتو حضور آن یگانه طبیب الهی به بیان مشروح وضعیت

خود بپردازید و بدین وسیله تدبیر و شهامت لازمه در برخورد با مسئله را بیابید. در چنین شرایطی شما می‌توانید برای کشیش دعا کنید تا او نیز حقیقتاً بتواند طریقی آن طبیب الهی را بیان کرده و با شما در مسیر ستایش خداوند همراه شود هم با اعتراف فروتنانه شما و هم با زندگی که در پیش می‌گیرید.

«دعا برای یک اعتراف خوب»

خداوند عیسی مسیح، من می‌دانم که در زمان اعتراف به گناهانم،  
نه تنها در برابر خادم تو و برادر خویش ایستاده‌ام،  
بلکه در حضور تو ایستاده‌ام.

من به شدت مایلیم تا گناهانم را در حضور تو اعتراف نمایم  
تا بتوانم این گونه اعتماد و ایمان خود را و اشتیاق و سپاس خود را نزد تو  
اعلام کنم،

تا از بندهای گناه رهایی یابم و آزادی را تجربه کنم.

خداوندا، چنان مرا آزاد ساز، تا در تو، آزادانه خواهران و برادرانم را در  
محبت، خدمت نمایم،

و پیام شادی بخش آرامش و صلح را برای همه آنانی که ایشان را آزاد ساختی  
اعلام نمایم.

خداوندا، شهامت آن را به من ببخش تا با حقیقت گناهکار بودن خود، روبرو  
گردم،

تا حقیقت نهفته در محبت تو مرا آزاد گرداند. آمین

گاهی اوقات کشیش بخشی کوتاه از کتاب مقدس را برمی‌گزینند و آن را  
می‌خواند. کلام خدا قدرت تقدیس‌کنندگی دارد. اما شخص نادم نیز خود ممکن  
است بخشی دیگر از کلام را برگزیند، بر آن تعمق کند و پیش از اعتراف خود آن

را قرائت نماید، درست پس از این که کشیش او را برکت می‌دهد. اعتراف  
می‌تواند بر کلامی از کتاب مقدس متمرکز باشد که قلب شما را لمس کرده و به  
شما نور می‌بخشد. شما ضمناً می‌توانید در مورد عذاب وجدانی که دارید با  
کشیش صحبت کنید، این امر به شما کمک می‌کند تا تلاش جدی‌تری را نسبت  
به جبران گناهتان به عمل آورید. پیش از طلب آمرزش نهایی نیز می‌توانید با  
صدای بلند و در حضور کشیش دعایی کوتاه بکنید:

ای خداوند خدا، تو نیکو هستی پس بر من رحم فرما!  
گناهان مرا در نظر نیاور  
بلکه این احساس گناه آزاردهنده را از من دور ساز.  
دل پاک در من بیافرین  
و روح راستی در باطنم تازه ساز.

ث - آمرزش

«خدا، پدر جمیع رحمت‌ها، از طریق مرگ و قیام پسر خویش، جهان را با  
خود مصالحه داد و روح القدس را به جهت بخشش گناهان به میان انسان فرستاد.  
از طریق خدمت کلیسا، خدا آرامش و آمرزش به شما عطا نماید؛ و در نام پدر،  
پسر و روح القدس گناهان شما را می‌آمرزم. آمین».

شخص نادم می‌تواند این کلمات را در قلب خود پذیرفته و در دعای ستایش،  
با کشیشی که این سخنان را بر لب آورده به شکل زیر همراه شود:

«ای خدای ما، پدر رحمتها، ما تو را ستایش می‌نماییم،  
زیرا که عیسی را به عنوان نجات‌دهنده ما برای ما فرستادی.

یعنی طبیب الهی ما،

تو از طریق مرگ و قیام او

جهان و ما را با خود آشتی دادی.

از تو سپاسگزاریم که روح القدس را نزد ما فرستادی  
و نیز برای فرستادن مجدد او  
برای تقدیس قلبهایمان و رهایی بخشیدنمان از عذاب گناه،  
و برای هدایت ما به سوی یک زندگی مقدس،  
از تو سپاسگزاریم.»

پس از این دعا و طلب آمرزش، کشیش و شخص نادم با صراحت به حمد و ستایش خدا می پردازند:  
کشیش: خداوند را شکر کنید زیرا که او نیکوست.  
نادم: رحمت او تا ابدالآباد است.

#### ج- شکرگزاری

پدر، به خاطر عطیه صلح و آرامش تو را شکر می گویم  
و می خواهم همیشه شکرگزارت باشم  
بگذار برای خواهران و برادرانم منشأ صلح و آرامش باشم،  
و برای تمامی آنانی که محتاج شفا، بخشش، صبر  
درک پُر از محبت و تشویق هستند.  
آرامش تو، عطیه تو به من است  
و نیز عطیه ای که باید با دیگران تقسیمش کرد،  
زیرا به دست پسر مهیا گردیده است، آن نجات دهنده عالم.  
بگذار بیش از پیش قدرت روح را لمس کنم،  
تا آرامی تو به ابد در قلبم ساکن گردد،  
و زندگی و نیز روابطم، نقش آن را بر خود گیرند.  
خداوند خدا، پدر ما، نفرت و بیزاری جهان را پر کرده است،

و در جان های بسیاری از مردم رخنه نموده است!  
آشتی دهندگان برایشان بفرست.  
و یاری ده ایشان را تا تو را جستجو کرده ببابند،  
ای تو که منشأ هر چه آرامی و آشتی هستی.  
خداوندا، متحد ساز همه ما را که  
تجربه کردیم بخشش شفا بخش و آرامش شیرینت را،  
تا با یاری یکدیگر، این صلح و عدالت را  
در خانواده های خود، میان دوستان و همسایگان و نیز در کل جهان وسعت  
بخشیم  
و نیز در روابط سیاسی بین ملت ها و روابط اقتصادی حاکم بر دولت ها توسعه  
دهیم.

خداوندا، خاطره ای شکرگزار به من عطا نما،  
تا دیگر اسیر خودخواهی و خواست های کوچک خویش نباشم،  
و کار صلح را بر روی زمین هر روزه تداوم ببخش. آمین



تو خوشی من هستی، پناه من و قوت من؛ بگذار تمامی دل‌های صالح تو را حمد بخوانند. جان من خواهد سرایید، قلب من در درونم شادی خواهد کرد؛ برکت خدا، همه ایام عمرم را پر خواهد ساخت.

ب- تحیات و برکات متقابل

کشیش: آرامش و فیض از سوی خدا، پدر ما و از خداوند ما عیسی مسیح بر همه شما باد!

پاسخ: و با روح شما!

پ- دعای پایانی

خداوندا، برای رحمت تو آمده‌ایم تا این خبر خوش را بگیریم که توبه‌ای دیگر ممکن است.

ما آمده‌ایم تا ایمان خود را آشکار سازیم، که می‌توانیم با انجیل زندگی کنیم و عزم خود را راسخ‌تر سازیم.

ما می‌خواهیم با انجیل زندگی کنیم.

خداوندا، ایمان ما را تقویت نما، تا با تمامی قلب و ذهن و زندگی خود دریابیم که تو می‌توانی و می‌خواهی قلبهای ما و نیز چهره زمین را تازه سازی. روح را بر ما بفرست

تا در روح تازه شکرگزاری زندگی کنیم

ما می‌خواهیم تماماً در امید وعده آسمان و زمین تازه تو زیست کنیم

که تصویر زنده آن بواسطه ایمانداران حقیقی تو نشان داده شده است.

روح را بفرست تا دل‌های ما را پاک گرداند،

و ما را از هر فریب رستگار سازد

و ایمان ما را برای زندگی مقدسی که ما را به آن خوانده‌ای افزون گرداند.

ما اینها را در نام مسیح خداوندمان از تو می‌طلبیم. آمین.

## بخش سوم

### مراسم جمعی راز آشتی

متن زیر می‌تواند در جهت آمادگی شخصی برای مراسم جمعی سودمند باشد. ضمناً می‌تواند در اصلاح زندگی خانوادگی یا جمعی نیز مورد استفاده قرار گیرد. بویژه اینکه می‌تواند افراد را به درکی بهتر از ابعاد و اهداف مراسم جمعی توبه نایل گرداند.

الف - سرود آغازین:

آری برخواهم خاست و نزد پدر خود بازگشت خواهم نمود.

به حضور تو ای خداوند جان خود را برخواهم افراشت و در تو ای خدای من، توکل خواهم نمود

بر من نظر کن؛ رحم نما، ای خداوند، گناهانم را ببخش و اندوهم را ببین. قلب و جان من مشتاق روی توست؛ بر من بخشنده باش و خواسته‌ام را پاسخ ده! نیکویی‌ات را از من دریغ مدار؛ خداوندا، محبت تو در جان من ریشه گیرد. نزد تو دعا می‌کنم، بر من ترحم فرما! خدای من، نسبت به محبت عظیم تو گناه ورزیده‌ام.

فریاد برمی‌آورم ای خداوند، مرا پاک ساز؛ روحم را سفیدتر از برف بگردان. بار دیگر شادی یاری‌ات را به من بازگردان؛ لب‌هایم را بگشا؛ تا در ستایش تو بسرایم.

متبارک باد او که گناهانش از سوی تو بخشیده شده است؛ خطایایش محو شده و تقصیر او از او برداشته شده.

ت - بخش‌هایی از رساله دوم پولس به قرن‌تیان (۵: ۱۴ تا ۶: ۲)

«زیرا محبت مسیح ما را فرو گرفته است چون که این را دریافتیم که یک نفر برای همه مُرد پس همه مُردند و برای همه مُرد تا آنانی که زنده اند از این به بعد برای خویشتن زیست نکنند بلکه برای او که برای ایشان مُرد و برخاست بنابراین ما بعد از این هیچ کس را برحسب جسم نمی‌شناسیم بلکه هر گاه مسیح را هم برحسب جسم شناخته بودیم الآن دیگر نمی‌شناسیم پس اگر کسی در مسیح باشد خلقت تازه‌ای است چیزهای کهنه در گذشت اینک همه چیز تازه شده است و همه چیز از خدا که ما را به واسطه عیسی مسیح با خود آشتی داد و خدمت آشتی را به ما سپرده است یعنی این که خدا در مسیح بود و جهان را با خود آشتی می‌داد و خطایای ایشان را برایشان محسوب نداشت و کلام آشتی را به ما سپرد پس برای مسیح ایلچی هستیم که گویا خدا به زبان ما وعظ می‌کند پس به خاطر مسیح استدعا می‌کنیم که با خدا آشتی کنید زیرا او که گناه را نشناخت در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم پس چون همکاران او هستیم التماس می‌نماییم که فیض خدا را بی‌فایده نیافته باشید زیرا می‌گویید

در وقت مقبول، تو را مستجاب فرمودم

و در روز نجات تو را اعانت کردم

اینک الحال زمان مقبول است،

اینک الآن روز نجات.»

ث - دعای شخصی و نیایش مشترک

سپاسگزاری هستیم ای خداوند برای عطیه ایمان.

نسل‌های بسیار کوشیدند تا تو را با آیین‌های تهی از ارزش تسکین دهند

اما تو بر ما آشکار نمودی که مسیح خود، آشتی و آشتی دهنده است.

همه مقدمات از سوی تو بود و با برداشتن قدم اول، کار خویش را به انجام رساندی.

ما همه، در برگزاری راز آشتی

می‌خواهیم هر آنچه از ابتدا به عمل آوردی را محترم بشماریم

و فقط تو را به خاطر بازگرداندن صلح و آرامش به ما، جلال بخشیم.

ما، گاهی اوقات این جلال را از تو ربوده‌ایم

به این خیال واهی که همه آن، عمل خود ماست.

با وجود این تنها اگر شکرگزار تو باشیم، خواهیم توانست در کار تو،

شفای زخمهای خود و زخمهای دیگران سهمی داشته باشیم،

و مأموریت صلح خود را در جهان به انجام رسانیم.

ای پدر، حتی با این که می‌دانیم مسیح به خاطر ما مرد

همواره به زندگی خودخواهانه ادامه می‌دهیم

یا خود را زندانی گروههای خود محور می‌سازیم

یا در دام فریب و نیرنگ اجتماع می‌افتیم

پدر! ما را ببخش.

پدر، ما را شفا ده

و بگذار ما مجروحین، شفا دهندگان دیگران باشیم.

خداوندا، اجازه بده به آشتی دهندگان آشتی یافته و

صلح دهندگان بدل شویم در هر کجا که باشیم. آمین

ج - اشتیاق برای خلقت تازه

خداوندا قلبی احیا شده به ما عطا نما و روح خود را در ما قرار ده!

خداوند خدای ما می‌فرماید، اینک ایامی می‌آید که عهدی تازه با خاندان

اسرائیل خواهیم بست.

عهدی عمیق و استوار در دل‌هایشان و شریعت خود را بر قلب ایشان خواهیم نهاد؛

و در قلبهایشان خواهم نوشت.

من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من. و تمامی گناهان ایشان را خواهم آمرزید؛ و سپس هرگز آنها را به یاد نخواهم آورد.

چ - آزمایش وجدان

خبر خوش این که ما می توانیم در مسیح عیسی زیست نماییم (متی ۵: ۱ - ۱۶) «وقتی که او نشست شاگردانش نزد او جمع شدند، آن گاه دهان خود را گشوده ایشان را تعلیم داد»

خداوندا، زندگی ما یک زندگی شگفت انگیز و تازه و نشانه آسمان و زمین تازه توست

اگر در نام تو گرد هم آییم، به کلام تو گوش سپاریم و بر اساس آن و برای جلال پدر زندگی نماییم. خداوندا، ما را ببخش که غالب اوقات با حسادت و خصومت و یا بی تفاوتی نزد یکدیگر جمع می شدیم! ما را ببخش به خاطر تمامی آن اوقاتی که با انگیزه خودخواهی فردی و یا جمعی نزد تو گرد هم می آمدیم. خداوندا ما را از عیاشی یمان شفا ببخش که همواره مسبب اصلی اغفال شدن ما از جمع شدن و به حضور تو آمدن بود.

«خوشا به حال مسکینان در روح زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است»

خداوند عیسی، خادم متواضع خدا، کسی که خود را فقیر ساخت تا ما را دولتمند سازد با نگاه کردن به تو، معنای کلامت را می دانم، اما این کلام را هنگامی بهتر درک خواهم نمود که مثل تو فروتن شده سخنانت را به عمل آورم. خداوندا فقدان فروتنی و شکرگزاری مرا بر من ببخش.

با نگاه کردن به تو ای عیسی، که از سوی پدر آمدی و پس از آن که خود را میان همه قسمت کردی با خواهران و برادرانت به سوی پدر بازگشتی و حتی در این مسیر خون خود را نیز دریغ نداشتی، درمی یابم که تعلق داشتن به مسکینان

برکت یافته چه معنایی دارد. اما هر گاه همه عطایای تو را در جهت خیریت جماعت بکار گیرم و آنها را نه تنها با کلام، بلکه با اعمال و هر آنچه در ید قدرت من است، در حق برادران و خواهران خود اعمال نمایم، مفهوم سخنان و اعمال تو را بهتر درک خواهم نمود. خداوندا، خودمحموری و شراکت در خودخواهی جمعی بشریت را بر من ببخش. (...دعای شخصی یا مشارکت در اعتراف فروتنانه).

«خوشا به حال ماتمیان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت»

با نگاه کردن به تو، ای خداوند عیسی، آن مسکینانی که تسلی خواهند یافت را می شناسم. آن تو هستی و همه آنانی که تو را پیروی می نمایند، همه کسانی که از قید ترحم و دلسوزی نسبت به خود آزاد شده اند زیرا در غم ها و رنجهای انسان ها شریک گشته اند.

و اینان کسانی هستند که می خواهند بارهای دیگران را متحمل شوند. به هر بهایی، خودخواهی خود را به مرگ سپرده اند و آماده اند تا قانون عظیم محبت به همسایه را محقق سازند، علیرغم تمامی سختی ها و دردهایی که در این امر نهفته است (...).

«خوشا به حال حلیمان زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد»

با نگاه کردن به تو، ای خداوند عیسی که به ما آموختی تا همانند تو افتاده و حلیم باشیم، اکنون می دانم که این سخنان معنایی عمیق دارند. تو را ستایش می کنم زیرا خواستی مردم را با محبت و نه با زور و اعمال قدرت به سوی خود بخوانی. خداوندا مرا ببخش به خاطر این که هنوز روح کینه جویی در من است، و هنوز می کوشم بر دیگران به نوعی برتری دست یابم و وسوسه می شوم تا دین را برای منافع خود یا گروههای همفکر با خود بکار گیرم. مرا ببخش ای خداوند! اسرایلیان نجات می یافتند اگر همین قانون را می پذیرفتند، قانون ملکوت

تو. اورشلیم نابود نمی گردید اگر قدرت غیر قابل مقاومت محبت را می پذیرفتند. حوادث اسفبار و دهشتناک دو جنگ جهانی روی نمی داد اگر مسیحیان جهان، قانون محبت عدم خشونت را پیروی می کردند، قلمرو سلطنتِ حلم تو را و خود را در تعهدی مشترک وقف عدالت و صلح می کردند. خداوندا ببخش! (...)

«خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت زیرا ایشان سیر خواهند شد»

ای خداوند عیسی، با نگاه کردن دوباره به تو در می یابیم که این سخنان، معنایی عمیق دارند. اما اگر این عادل شمردگی از فیض تو را بهتر قدردانی می کردیم، می توانستیم آن را بهتر نیز بشناسیم. به این ترتیب نه تنها تو را بهتر می شناختیم بلکه در زندگی خود کمال بیشتری نیز احساس می کردیم، اگر الگوی تو را در توجه به دیگران و به عدالت اجتماعی در تمامی سطوح و در همه جا پیروی می نمودیم (...).

«خوشا به حال رحم کنندگان زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد»

می توانیم با نگاه کردن به تو معنای این حکم را عمیق تر درک نماییم، «مثل پدر خود رحیم باشید». اگر ما به رغم عدالت نجات بخش و محبت دلسوزانه تو که حتی بر روی صلیب نیز بر دشمنان آشکار نمودی، باز هم رحیم نباشیم، پس ما هم شایسته یک داوری بی رحمانه خواهیم بود و به این ترتیب، خود را مجازات می کنیم. خداوندا، پیروی تو در محبت پر رحمتت، وظیفه ای بر دوش ماست. خداوندا، ما را ببخش که بسیاری اوقات سنگ دل هستیم (...).

«خوشا به حال پاکدلان زیرا ایشان خدا را خواهند دید»

خداوند عیسی، با نگاه کردن به تو، ما پدر را می بینیم و اگر به راستی گرد تو جمع شده و چشمان، اذهان، دلها و اراده خود را به سوی تو بگردانیم و با نیات

پاک، تو را خدمت کنیم، تو و پدر را بهتر خواهیم شناخت و تمامی نجات خویش را در این معرفت رهایی بخش باز خواهیم یافت. خداوندا، اسراف و اختلاط انگیزه هایمان را ببخش و به خاطر استفاده و حتی سوء استفاده از دیگران در حالی که از محبت صحبت می کنیم ما را عفو فرما! (...).

«خوشا به حال صلح دهندگان زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد»

ای خداوند عیسی مسیح، با چشم دوختن به تو که آشتی و صلح را به بهای کلان خون خود برای ما آوردی، معنای صلح دهندگان را اکنون در می یابیم. این که تو چگونه پدر را حتی بر روی صلیب با وفاداری حرمت می داشتی و روح خود را تسلیم او نمودی و برای آنانی که تو را تحقیر نمودند، تازیانه زدند، مصلوب کردند و مرگت را به نظاره نشستند، دعا کردی و برای ما نیز که با گناهانمان دشمنان تو بودیم دعا نمودی، اینها همه به ما آموخت که فرزندان خدا چگونه باید عمل کنند. خداوندا ما را ببخش که غالباً در تحقق مأموریت صلح جهانی خود بر زمین قصور می ورزیم و در نتیجه لایق خوانده شدن بعنوان فرزندان پدر آسمانی تو نیستیم! (...).

«خوشا به حال زحمت کشان برای عدالت زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است»

با نگاه کردن به تو ای خداوند عیسی، می دانیم سهم شدن در ملکوت تو از طریق تحمل رنج برای عدالت چه مفهومی دارد. اگر ما نیز همانند تو هر لحظه آماده باشیم تا هر رنجی را در مسیر تحقق این مأموریت بزرگ متحمل شویم، خواهیم توانست عدالت نجات بخش پدر را به شکلی ملموس ظاهر سازیم. خداوندا عدم تمایل ما نسبت به دست کشیدن از منافع و افراد هم فکر با خود را ببخش تا ثابت کنیم که به خدایی یگانه ایمان داریم و به یک ملکوت، یعنی ملکوت عدالت و صلح! (...).

«شما نمک جهانید»

تنها با گرد آمدن نزد تو و شناختت به عنوان نجات‌دهنده جهان و تسلیم نمودن خود به تو، می‌توانیم در مأموریتت شریک شده و به جهان طعمی تازه ببخشیم، یعنی معنا و هدفی غایی به زندگی انسانها و تمامی حیات بر روی زمین. تنها هنگامی که کاملاً به تو نزدیک و آماده قبول کلام و عطایای تو هستیم و خود را وقف ملکوت تو نموده‌ایم، می‌توانیم این مأموریت بزرگ را به انجام رسانیم. خداوندا، خودمحوری و ریاکاریهای ما را ببخش! ما را ببخش به خاطر عدم توجه به عمق ابعاد زندگی خود و در نتیجه منحرف شدن به وسیله دیگران، فریب خوردن از دیگران و بدل شدن به بخشی از این فریب و نیرنگ جهان ناپاک. خداوندا ببخش! (...).

«شما نور عالمید»

با گرد آمدن در اطراف تو در می‌یابیم که تو فقط آن نور هستی، سرچشمه کل حقیقت و محبت و ما بدون تو هیچ هستیم. ما را ببخش ای خداوند که نور خود را همیشه و تنها در تو جستجو نکرده‌ایم. ما را به خاطر اهمیت دادن به خود، که حضور تو را در ما کم‌رنگ نموده است ببخش زیرا که به همین خاطر آن گونه که باید جلال تو را نطلبیده‌ایم. آن‌گاه که با سپاسگزاری پی ببریم که ما فقط زمانی نور هستیم که در نور تو زندگی کنیم، خواهیم دانست که خدمت به تو با قلبی لبریز از خلوص، چه معنایی دارد و آنانی که اعمال ما را ببینند پدر را تمجید خواهند نمود. ما را ببخش بارها این حقیقت را پوشانده و نسبت به مأموریت بزرگمان یعنی «نور جهان بودن» وفادار نبوده‌ایم! (...).

«گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم بلکه تا تمام کنم» پدر، تو را می‌ستاییم! که به واسطه انبیایت به ما تعلیم دادی و توسط آن نبی یعنی عیسی، آزادی‌ای را به ما آموختی که او ما را به آن آزاد ساخت. با وجود این

در عهد جدید می‌بینیم که چگونه رسولان، مسیحیان را از تبدیل این آزادی به ابزاری برای خودخواهی و نفس خود بر حذر می‌دارند (غلاطیان ۵: ۱۳). ما به عنوان مسیحیان، بعد از شورای دوم واتیکان خود را از بسیاری سنتها و محدودیت‌های غیر ضروری آزاد ساختیم. با این حال باید نزد تو اعتراف کنیم که توجه کافی به این که تو چگونه «تورات و صحف انبیاء» را کامل نمودی نداشتیم، یعنی دستورات روشنی که تو در موعظه سر کوه آن را خلاصه نمودی و در کلام بی‌همتای خود وقتی که می‌گفتی: «لیکن من به شما می‌گویم...»، به ما ارائه دادی.

اکنون نزد تو می‌آییم تا ضمیر خود را در همین بخش از کلام تو به آزمایش گذاریم، بخشی که نسبت به آن امین نبودیم چه در تورات و صحف انبیاء و چه در سخنانی که تو برای ما بر زبان رانیدی. (...).

«شنیده‌اید که به اولین گفته شده است قتل مکن، و هر که قتل کند سزاوار حکم است، لیکن من به شما می‌گویم هر که به برادر خود بی‌سبب خشم گیرد، مستوجب حکم باشد.»

از طریق راز تعمید و راز تثبیت، ما در این مأموریت و در قربانی مقدس، بیش از پیش در حیات تو شریک می‌شویم. با دریافت روح تو، می‌دانیم که می‌توانیم از هر رنجش و خشم آزاد شویم و منشأ صلح و آرامی و آشتی باشیم. با این حال بارها و بارها خشم خود را نسبت به برادران و خواهران خود برافروخته‌ایم و غالب اوقات هم تنها به خاطر اموری بسیار پیش پا افتاده و هیچ، غضبناک گشته‌ایم.

خداوندا ما را ببخش! هنگامی که به قربانگاه تو نزدیک می‌شدیم آگاه نبودیم که با دلی لبریز از آرامش در پیشگاه تو حاضر می‌شویم و بدین ترتیب غالباً آنچه را که موجب صید جانها و احیای دوستی‌ها می‌شد بجا نمی‌آوردیم.

خداوندا، ما حتی نسبت به «شریعت و انبیاء» نیز گناه ورزیده ایم. ما به مسئله مسابقه تسلیحاتی، ملی گرایی افراطی و تبعیض نژادی میان ملت‌ها و نژادها توجه کمی نشان دادیم، یعنی رفتارهایی که در تاریخ غالباً موجب قتل عام‌ها و جنگ‌ها شده است. ما در مورد کاهش مشروبات الکلی یا منع آن و استفاده از مواد مخدر که بلایایی خانمان سوز هستند دست به اقدامی نزده ایم. حتی نسبت به جنایاتی هولناک تر مثل قتل و سقط جنین چنان که باید واکنش نشان نداده ایم. ای خداوند عیسی، تو پدر را تمجید نمودی چرا که ما را به دستهای تو سپرد و تو از ما مراقبت به عمل آوردی و حتی جان خود را به خاطر نجات ما دریغ نداشتی. امروز تو برادران و خواهران ما را به دستهای ما سپرده‌ای، اما به دلیل بیزاری‌ها و دسته بندی‌ها، آنان را آن گونه که باید، در راه نجات، یاری ندادیم. ما حتی به اندازه کافی به تندرستی و زندگی آنان اهمیت ندادیم. خداوندا ما را ببخش! (...).

«شنیده‌اید که به اولین گفته شده است زنا مکن، لیکن من به شما می‌گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد همان دم در دل خود با او زنا کرده است.»  
در میان مسیحیان، هر چند غیر قابل باور است، اما گناهای بزرگ مانند زنا کاری دیده می‌شود، یعنی در میان ما زنا کارانی زندگی می‌کنند و ظاهراً ما در گناه ایشان سهمی نداریم. ما همیشه نمونه آن وفاداری مطلق در روابطمان نبوده ایم و بدین ترتیب دیگران را تقویت ننموده، ایشان را از وسوسه‌ها بر حذر نداشته ایم. تمامی زندگی ما باید پرستش تو باشد، ای خداوند و بخشنده عهد‌ها، زیرا که امانت تو عظیم است.

در جامعه‌ای مصرفی، جایی که حتی رابطه جنسی بدل به یک مقوله مصرفی می‌شود، ما هم به شدت در معرض وسوسه استفاده از دیگران در جهت رسیدن به اهداف خود قرار می‌گیریم و به این ترتیب آماده سقوط در دامان گناهای چون زنا و زنا کاری می‌شویم. خداوندا ما را ببخش، زیرا نیاموختیم تا کار تو را

تحسین و تمجید کنیم، کار بزرگ خلقت ات را، خلقت زن و مرد در شباهت خود و این که ایشان را به نشانه حضور پُر از محبت خود و در محبت غیر خودخواهانه ات، به یکدیگر بخشیدی.

خداوندا، تو به ما آموختی که می‌توانیم خود را از هر آنچه که مانعی برای رسیدن به توست آزاد سازیم حتی اگر آن چیز به اهمیت «چشم راست» و یا «دست راست» ما باشد. با وجود این، بسیاری اوقات ما به تماشای فیلم‌ها و تصاویری می‌پردازیم که بی‌ایمانی را ترویج داده، موضوع رابطه جنسی را به امری حقیر بدل می‌سازد.

ما آن شهامت و جسارت را نداریم که عادات خود را ترک کنیم تا خود یا دیگران را از آنچه که به ناپاکی می‌کشاند آزاد سازیم. ما خاطرات خود را از امور زیبا و خوب پُر نساخته ایم و به همین دلیل فضای بسیار زیادی را برای افکار و تخیلات خطرناک باز گذاشته ایم. ما را ببخش، ای خداوند! (...).

«و گفته شده است هر که از زن خود جدایی خواهد تلاق نامه‌ای بدو بدهد لیکن من به شما می‌گویم هر کس به غیر علت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد»

مسائل دردآوری که طلاق در جامعه ما به بار می‌آورد غیر قابل تصور است. تنها بودن همسران جدا شده، خاطراتی بس ناگوار و آزاردهنده، قلبهای شکسته و کوبیده و بسیاری سخنان و اعمال برگشت ناپذیر از این دسته هستند و بدیهی است رنجی که در این میان کودکان متحمل آن می‌گردند غیر قابل بیان است. با وجود این هیچ یک از ما حق ندارد دیگران را متهم سازد. بسیاری از کسانی که مجبور به طلاق شده اند وضعیتی بدتر از ما ندارند و بسیاری نیز به مراتب از ما بهترند. زیرا حداقل کوشیده‌اند تا با گذشت و فداکاری و به هر نحوی ازدواج خود را دوام بخشند.

خداوندا، ما همگی باید آمرزش تو را طلب کنیم زیرا همه آنچه باید در راستای ترویج روح وفاداری و صداقت در میان خود انجام می‌دادیم به عمل نیاوردیم. بسیاری از ما به عنوان والدین، معلمان و شبانان تلاش خود را در آماده سازی جوانان در مسیر پاکدامنی و ازدواج به عمل نیاورده‌ایم. بسیاری اوقات می‌توانستیم به عنوان آشتی‌دهندگان وارد عمل شویم اما تصور کردیم نباید مزاحم زندگی خصوصی کسی شویم. گاهی نیز بدون بررسی و تأمل ترجیح داده‌ایم به سادگی بگوییم: «او را طلاق بده!»! بسیاری از ما به سادگی با طلاق روبرو می‌شوند و از آن می‌گذرند و بسیاری دیگر به سختی و بدون قوه تشخیص نسبت به آن داوری می‌کنند.

آیا ما واقعاً تمامی تلاش خود را برای کمک به آنانی که گرفتار طلاق شده‌اند و به کودکان ایشان به عمل می‌آوریم تا ایشان را تسلی داده و در جامعه‌ای لبریز از عشق و امید آنان را حمایت کنیم؟ (...).

«باز شنیده‌اید که به اولین گفته شده است قسم دروغ مخور بلکه قسم‌های خود را به خداوند وفا کن لیکن من به شما می‌گویم هرگز قسم مخورید... بلکه سخن شما بلی، بلی و نی، نی باشد...»

خداوندا، تو مأموریت بزرگ اعلام حقیقت نجات به جهانیان را به ما سپرده‌ای. اما جهان چگونه ما و کلام ما را بپذیرد مادام که در سخنان و اعمال خویش صادق و امین نیستیم؟

ما دوستان تو هستیم و تو راستی هستی. ما همگی در میان خود نیز با هم دوست هستیم اگر تمامی ارتباطاتمان دقیقاً بر پایه حقیقت و راستی باشد. گفتن یک «بلی» در میان دوستانتان می‌تواند از تمامی قول‌ها و وعده‌هایی که داده‌اید و به آن عمل نکرده‌اید، ارزش به مراتب بیشتری داشته باشد. گاهی پیش می‌آید که ما کلمات خود را می‌پیچانیم و گاهی نیز به دلایل ناکافی معنای آنها را طور

دیگری جلوه می‌دهیم. خداوندا، ما را شفا ده، ما را یاری ده! ما را دوستداران صداقت کامل بگردان، صداقتی که از میان آن، محبت و حکمت هر دو با هم بدرخشند. (...)

شنیده‌اید که گفته شده است چشمی به چشمی و دندان‌ی به دندان‌ی لیکن من به شما می‌گویم با شریر مقاومت نکنید... و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عباي خود را نیز بدو واگذار»

عهد عتیق به مردمی که دائماً در بحث و جدل‌ها و جنگ و ستیزهای کلامی هستند هشدار می‌دهد تا دیگران را بیش از آنچه آنها به ایشان آزار رسانده‌اند نیازارند.

خداوندا این امر باید برای شاگردان تو به یک شاهد زنده بدل گردد. با وجود این دعوی‌های بسیاری وجود دارند که در آنها مردم، بی‌پروا و بدون هیچ عذاب وجدان یکدیگر را می‌آزارند و چه سخت است قلب این گونه افراد. این امر به دلیل آن است که ما طریق تو را دنبال نمی‌کنیم و نیاموخته‌ایم تا برخوردهای خود را با تدبیر و با روشی بدون خشونت حل کنیم، یعنی با قدرت عظیم محبت. آیا همه ما سهمی در این مسئولیت یعنی جلوگیری از وقوع چنین اموری داریم؟ خداوندا، اگر هر یک از ما که می‌خواهد دوست تو باشد، آنچه تو درباره آن با ما سخن گفتی را به درستی فرا می‌گرفت، از این همه عدم اعتماد و اختلاف نظرهای حقوقی رنج نمی‌بردیم و هیچ‌جا به پلیس نیازی نداشتیم، یا مجبور نمی‌شدیم به تسلیحات نظامی پُر قدرت، انقلاب‌های خونین و جنگ پناه ببریم. خداوندا، ما را شفا ده و یاری کن تا در پویایی حرکت زندگی روزانه خود، با خلاقیت و از طریق عدم خشونت، به عدالت و صلح نجات بخش دست یابیم. (...)

«هر کس از تو سؤال کند بدو ببخش و از کسی که قرض از تو می‌خواهد روی خود را مگردان»

بسیاری از ما با داشتن حساب‌های بانکی بزرگ، به خاطر از دست دادن پول‌هایمان در تورم اقتصادی، ناخرسند می‌شویم. آیا نمی‌توانیم دل‌های خود را بعنوان شروعی مجدد به سوی آنانی که، نیاز به پول ما دارند برگردانیم؟ آیا ما نمی‌توانیم نسبت به فقیران اطراف خود و فقرای ملتهای جهان سوم که از درد عدم توسعه و قحطی رنج می‌برند با گشاده‌دستی برخورد نماییم؟ خداوندا، ما را به خاطر عدم سخاوتمان ببخش! (...).

«شنیده‌اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن، اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن‌کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید.»

خداوند عیسی، تو آمده‌ای تا حلقه شیرانه نفرت و خشونت را درهم بشکنی. تو برای ادامه این مأموریت، ما را دوستان خود نامیدی. دنیای امروز متأسفانه نیازمند نیکویی و آمرزش نجات بخش است. اما گاهی اوقات حتی ما از آنچه که قدمای نیز می‌گفتند عقب‌تر هستیم. با وجود این می‌دانیم که جهان تنها به وسیله آنانی که با سخاوت تمام، الگوی تو را پیروی می‌کنند و برای آنانی که هنوز برده خشونت، نفرت و بیزاری هستند دعا می‌کنند، نجات خواهد یافت. ما را یاری ده ای خداوند تا هرگز بدی را با بدی پاسخ ندهیم، بلکه از نیکویی برای شکست بدی استفاده نماییم. ما را ببخش که چنان مدبّر و بی‌نا نیستیم که بتوانیم با نیکویی بر بدی غلبه نماییم.

«هرگاه آنانی را محبت نمایید که شما را محبت می‌نمایند چه اجر دارید؟» خداوندا، اگر ما تنها در پی اجر و پاداش باشیم و یا تنها به دلیل ترس از مجازات به اعمال نیکو دست بزنیم، به هیچ وجه از گناهکاران و غیرایمانداران بهتر نیستیم. تو از آسمان آمده‌ای تا آتش محبت تقدیس‌کننده را برای ما به ارمغان بیاوری. تو ما را در روح القدس تعمید داده‌ای. اگر آنانی را که نیازمندند محبت نماییم، در حضور تو هیچ عذری نخواهیم داشت. پس اگر ما فاقد آن سخاوت و تصمیم راسخ در آشکار ساختن محبت خود به آنانی که نمی‌توانند به ما اجری بدهند باشیم، در آزادی تو وارد نشده ایم و در آن سهمی نخواهیم داشت.

مردم بسیاری هستند که هنوز نمی‌توانند ما را دوست بدارند و محبت تو را نیز درک کنند، چرا که کمترین تجربه از نیکویی و محبت غیر خود خواهانه تو در زندگی خویش نداشته‌اند. پس اگر محبت خود را از ایشان دریغ بداریم تا هنگامیکه آنان ما را محبت نمایند، آیا عادلانه عمل نموده ایم؟

خداوندا، تو طعم محبت نجات بخش و محبت بسیاری از دوستان را به ما بخشیده‌ای تا بتوانیم آنانی که نیازمند تجربه این محبت غیر خود خواهانه هستند را دوست بداریم و یاری دهیم.

تو، این توانایی و این مأموریت را به ما بخشیدی. اگر دنیا هنوز در هنر عشق ورزیدن و محبت کردن، فقیر و تهی دست است، آیا این از قصور ما نیست؟ خداوندا، ما را ببخش!

«پس شما کامل باشید چنان که پدر شما که در آسمان است کامل است» ای خداوند عیسی مسیح، پدر آسمانی‌ات، تو را فرستاد تا محبت بی‌پایان خود را به شاگردانت و از طریق ایشان به تمامی دنیا بشناساند. اگر ما با شهادت و دلیری و به همراه تو عازم انجام این مأموریت شویم، خواهیم توانست تو و پدر را بهتر بشناسیم و حقیقتاً در جاده نجات قدم برداریم.



خداوندا، تفکر کورکورانه مرا ببخش. غالب اوقات از خود می پرسم که تا چه حد می توانم به گناه نزدیک شوم و با این حال از مجازات آن پرهیز کنم یا نجات خود را به مخاطره نیندازم. اگر از قدردانی و از اشتیاق به ملکوت تو لبریز شوم هر روزه موقعیت هایی خواهم یافت که من را به هدف شگفت انگیز تبدیل شدن به صورت حقیقی نیکوی پدر آسمانی ات و نیکویی تو، نزدیکتر می سازد. به شباهت تو نایل آیم، شباهتی که از آن پدر آسمانی است. خداوندا، بی توجهی ما را ببخش و دلبری عطا کن تا همچون مسیحیان حقیقی، با شکرگزاری در طریق های روشن تو گام برداریم. ما را به خاطر روح القدس قدردان فرما، که در دلهای ما فریاد می زند «آبا، پدر» و به ما نشان می دهد چگونه مانند دختران و پسران پدر آسمانی زندگی و عمل نمائیم. کمک کن تا هرگز از گام برداشتن در طریق درست باز نایستیم!

ح - خبر خوش و دعای با توکل

این، مژده از جانب خدا است: پدر، محبت شفا بخش و رحیم است. او خود قدم اول را بر می دارد. کار او از ابتدا تا انتها آشتی دادن است. اما تنها آنانی که مصمم به بخشیدن و شفا دادن هستند، قدرت آمرزش شفا بخش او را تجربه خواهند نمود.

اگر مایلیم که با تمام وجود ببخشیم، آزرده گی ها و رنجش ها را کنار بگذاریم و مأموریت صلح خود را بپذیریم، می توانیم اطمینان حاصل کنیم که دعاهای ما شنیده خواهد شد.

دعای کلیسا، اطمینانی پُر شکوه و با اقتدار است از این که گناهان رحم کنندگان و عفو کنندگان و صلح دهندگان کماکان آمرزیده خواهد شد و اما هشداری است برای آنان که بخشنده نبوده اند، زیرا نابخشوده باقی خواهند ماند.

با در نظر داشتن این امور اکنون این گونه دعا می کنیم:  
پدر جمیع رحمتها، خدای شفیق،  
تو عیسی مسیح را به عنوان آشتی دهنده نزد ما فرستادی،  
او که طیب الهی ما است.

ما در نام او دعا می کنیم  
که گناهان تمام کسانی که به خطایای خویش اقرار نموده اند،  
آنان که می خواهند از جمله صلح کنندگان باشند  
سراسر آمرزیده شوند؛

و زخمهای ایشان شفا یابد؛

و به کلی از خصومت آزاد گردند،

آزادی برای فرمانروایی محبت، صلح و عدالت.

از آنجا که ای خداوند، از طریق یعقوب رسول این اطمینان را به ما بخشیده ای  
که دعای قوم مقدس، قدرتمند و مؤثر است،  
اکنون ما در اتحاد دعا می کنیم و یقین داریم که گرچه خطا کار اما برخی از ما  
مقدسین هستند:

«خدای قادر مطلق، بر ما رحم نما،

گناهان ما را بیامرز و ما را به سوی حیات جاودانی رهبری فرما».

آمین

خ - آمرزش شفا بخش و ستایش رحمت خدا

مقدمه زیر، ترجمه ای آزاد از یک مقدمه رومی کهن است که در مراسم باشکوه راز آشتی، در پنج شبه مقدس خوانده می شد. این سرود توسط اسقف و در حالی خوانده می شد که همه جماعت دست در دست یکدیگر به سمت محراب در حرکت بودند. در طول این سرود شکرگزاری، ما دلهای خود را پذیرای عطیه

آسمانی صلح می‌سازیم و متعهد می‌شویم که با دیگران رحیم باشیم همان‌گونه که او با ما رحیم بود.

خداوند با شما باد!

و با روح شما!

بیایید دل‌هایمان را برافرازیم!

آنها را به حضور خداوند برافراشته ایم!

بیایید شکرگزار او باشیم!

زیرا که این درست و نیکوست!

ای پدر مقدس و رحیم، این وظیفه شادی بخش ماست و طریقی که ما را به کمال، آرامش و نجات رهبری می‌نماید،

یعنی هر روزه و در هر موقعیت تو را شکر گفتن،

از طریق پسر محبوبت، عیسی مسیح، نجات‌دهنده ما.

با سپاسگزاری به خاطر می‌آوریم بسیاری از نشانه‌ها و شگفتی‌های رحمت تو را؛

آن‌گاه که پدران ما از احترام گذاردن به تو به عنوان خدا امتناع ورزیدند،

و سپاس لازم را از تو به عمل نیاوردند،

خود را به دست‌های خویش از فردوس بیرون افکندند .

لیکن تو ایشان را رها نساختی.

در رحمت عظیم خود، آمدن نجات‌دهنده را وعده دادی.

آن‌گاه که قائل برادر خود را کشت، تو با رحمت خود بر او علامتی گذاردی،

تا کسی دیگر او را به قتل نرساند؛ قتل و انتقام ادامه نیابد.

آن‌گاه که زمین پُر شد از گناه،

مردم را به توبه خواندی

و نوح را به همراه تمامی خانواده‌اش رهایی بخشیدی و نیز هر قسم از حیوانات را.

تو به دوست خود نوح و ذریتش اطمینان دادی

که دیگر هرگز همه موجودات را هلاک نخواهی ساخت.

آن‌گاه که برادران یوسف، بی‌پروا، او را به بردگی فروختند،

او را نجات بخش آنان ساختی که پیشتر او را فروخته بودند،

او صورتی شگفت‌انگیز از عدالت و بخشایش رهایی‌دهنده تو بود.

تو راحاب فاحشه را برانگیختی

تا بر منادیان اسرائیل رحیم باشد،

و در پی آن، ایشان را آموختی

که با او و خاندانش رحیم باشند.

زمانی که داود را برای پادشاهی به روغن تدهین کرده بودی،

گستاخانه زن مرد دیگری را گرفته، شوهر نیک سرشت او را کُشت،

در رحمت عظیم خود، ناتان نبی را نزد او فرستادی

تا وجدانش را بیدار نماید و او را به توبه فرا خواند.

و آن‌دم که او توبه نمود، وعده آمرزش را به او عطا کردی

و پادشاهی و وعده‌هایت را از او باز پس نگرفتی

در تمامی اعصار و در هر کجا،

تو نشانه‌های بی‌شماری از آمرزش و رحمت شفا بخش خود را بر جای گذاردی.

و در پری زمان، تو آن نشانه عظیم شفقت و رحمت خود را فرستادی

آن عدالت نجات بخش خویش را،

عیسی مسیح، آن طیب الهی، شبان نیکو،

آشتی‌دهنده ما و آرامی ما،

و با او حوای جدید،

مریم، مادر رحمت را همراه ساختی.

اینک به همراه تمام آنان که رحمت و عدالت نجات بخش ات را تجربه کرده  
تو را حمد خوانده اند  
با حیاتی لبریز از رحمت و دلسوزی، شفا و بخشش،  
و به همراه فرشتگان و تمام مقدسین،  
نام عظیمت را خواهیم ستود و خود را وقف پرستش ات خواهیم کرد  
و چنین خواهیم نمود، در تمامی لحظات عمر خود، با محبتی دلسوز و عدالتی  
نجات بخش  
همچون صلح دهندگان و آشتی جویان.

در اینجا لازم است تا نشانه صلح و تضمین وفاداری دائمی به فرمان خداوند  
مبنی بر شفقت و بخشش و تحقق مأموریت صلح دهندگان را به یکدیگر نشان  
دهیم. عهدی برای شکرگزاری و سپاس از خداوند با تمام زندگی خود که می تواند  
با یک سرود ستایشی تأیید و ابراز گردد.

د - مأموریت ما

پس در آرامش به زندگی ادامه دهیم و خداوند را، بعنوان صلح دهندگان این  
جهان، تسبیح بخوانیم.  
پاسخ: بیایید خداوند را تسبیح بخوانیم و او را شکر گوئیم.